

## دیپلماسی در نگاه امیرالمؤمنین (ع)

گسترش ارزش‌های دینی و تلاش برای آگاهی مردم جهان از جمله شاخصه‌های سیاست خارجی امام علی (ع) بود

۰۰۲۰

## سرنوشت عجیب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی!

۰۰۷۰



### به نفع اصفهان! ۱۰۰ درصد

روزنامه‌ای که هم اکنون در دست شماست با محتوای کاملاً دین‌پسند و بدون یک کلمه بازنشر منتشر شده است

#### موهبت خبرنگار میراث و گردشگری بودن

نفسه حاجاتی  
دیزیکره میراث  
۰۱۲۰

#### سر پرشور

مانده جوانی  
خبرنگار حوزه فرهنگ  
۰۱۶۰

#### ما اداي شمارا هم در نمی آوریم

سینه زنگی نظام الدین  
دیزیکره فرهنگ و هنر  
۰۱۶۰

#### داستان تولد یک کتاب

عبدالمهدی رجانی  
اصفهان بیزه  
۰۱۲۰

#### چاپ بی چاپ!

علیرضا منظاری  
خبرنگار حوزه فناوری  
۰۱۲۰

#### رنج‌ها ولذت‌های نوشتن از میراث

مریم عباسی  
دانشجوی دکتری طراحی فضا  
۰۱۲۰

#### از خوش مزه گردی تا ژورگردشگری

احسان ناچی  
راهنمای طبیعت گردی  
۰۱۲۰

#### میان خطوط خبر

شیدا اکرمی  
خبرنگار  
۰۱۶۰

#### در اصفهان چه خبر است؟

علی نجار  
دیزیکره آینده  
۰۱۲۰

#### خبرنگاری زیر آتش...

سامان سفالگر  
خبرنگار گروه سیاست  
۰۰۲۰

#### اصفهان زیبا! پرچم دار روزنامه نگاری محلی در ایران

محمدحسین اعتراریان  
سردبیر  
۰۱۲۰

### بود چه نرسد آب نمی رسد!

سامانه دوم آبرسانی اصفهان منتظر بود چه ملی است و استان قادر به تأمین بود چه نیست

۰۱۴۰

### سرعت گیرهای تولید در اصفهان

مطالبه‌های صنعتگران برای تحقق شعار سال کدام اند؟

۰۰۴۰

### کام تلخ بیماران مبتلا به قند خون!

جمعی از بیماران مبتلا به دیابت در گفت‌وگو با «اصفهان زیبا» از کمبود و سهمیه بندی انسولین گلایه دارند

۰۰۵۰

### پیش به سوی جنوب

نگاهی به شرایط حاکم بر توسعه شهر اصفهان

۰۰۶۰

### روزنامه؛ سکوی پرتاب نویسندگان بزرگ

آشنایی با روزنامه نگاری که نویسنده شدند!

۰۰۸۰

### ایستگاه صلواتی یا روضه خیابانی؟

موکبی که هر گذری را به یاد حسین (ع) می اندازد

۰۱۰۰



### مناقضه عمومی یک مرحله ای

شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۹۸۹۶۰۰۰۱۱

سازمان عمران شهرداری اصفهان در نظر دارد فراخوان بخشی از عملیات بارگیری و حمل سنگ های استخراج و آماده سازی شده در محل معدن کوه رضوان به سنگ شکن شماره ۱ مجتمع تولیدی صغه مطابق جدول ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

ردیف	شماره فراخوان	شرح پروژه	برآورد اولیه تقریبی به (ریال)	مدت اجرای عملیات	سپرده شرکت در مناقضه به (ریال)
۱	۲۰۰۳۰۹۹۸۹۶۰۰۰۱۱	بخشی از عملیات بارگیری و حمل سنگ های استخراج و آماده سازی شده در محل معدن کوه رضوان به سنگ شکن شماره ۱ مجتمع تولیدی صغه	۵۵,۸۹۰,۰۰۰,۰۰۰	۸ ماه	۱,۸۶۰,۰۰۰,۰۰۰

مواعد زمانی:  
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵  
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت: ۱۴:۳۰:۰۰ \* ۱۴۰۳/۰۵/۲۸  
مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت: ۱۴:۳۰:۰۰ \* ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت: ۱۵:۲۰:۰۰ \* ۱۴۰۳/۰۶/۱۰

\* نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقضه و سایر اطلاعات در شرایط شرکت در مناقضه مشخص می باشد.  
\* اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان ۲۲ بهمن، مجموعه اداری امیرکبیر، سازمان عمران شهرداری اصفهان تلفن: ۳۱-۳۲۷۰۸۱۳-۰۳۱

### آگهی مزایده فروش املاک شرکت تعاونی مصرف کارگران شهرداری اصفهان

شرکت تعاونی مصرف کارگران شهرداری در نظر داد یک واحد آپارتمان مسکونی خود را به شرح ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می آید جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۴۴۶۹۵۷۷ و ۳۴۴۵۳۰۷۹ در ساعات اداری تماس حاصل نموده و یا جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس خیابان سروش مادی مرغاب بازار سابق میوه و تره بار سروش (شرکت تعاونی کارگران شهرداری اصفهان) مراجعه نمایند.

ردیف	شرح املاک	آدرس	متراژ مترمربع	کل قیمت پایه (ریال)	سپرده مورد نیاز شرکت در مزایده
۱	یک واحد آپارتمان مسکونی	خیابان پنج آذر، کوچه شماره ۶، مجتمع مسکونی ترمه، بلوک A، طبقه پنجم، واحد شماره ۴۹	۱۳۷,۵	۵۹,۸۱۲,۵۰۰,۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

هیئت مدیره شرکت تعاونی کارگران شهرداری

### مناقضه عمومی همزمان با ارزیابی (بیکارچه) فراخوان

شهرداری اصفهان در نظر دارد فراخوان مناقضه تنظیم معابر، جمع آوری و حمل پسماندهای عادی (تر و خشک) مناطق پانزده گانه را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:  
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ \* ۱۴۰۳/۰۵/۲۸  
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت: ۱۷:۰۰:۰۰ \* ۱۴۰۳/۰۶/۱۱  
مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت: ۱۷:۰۰:۰۰ \* ۱۴۰۳/۰۶/۱۳  
زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت: ۱۸:۰۰:۰۰ \* ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

-- نوع و مبلغ تضمین در شرایط شرکت در مناقضه تعیین گردیده است.  
ه آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان آیت... شمس آبادی، کوچه شماره ۲۳، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان  
اطلاعات تماس: ۳۱-۳۲۷۰۸۱۳-۰۳۱ / ۳۱۳۲۲۴۱۸۵-۰۳۱ / ۳۱۳۲۲۴۱۸۵-۰۳۱

### مناقضه واحد موتوری

شرکت اتوبوسرانی اصفهان در نظر دارد فراخوان واحد موتوری به شماره ۲۰۰۳۱۰۰۴۰۹۰۰۰۰۱۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:  
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ ساعت: ۰۸:۰۰:۰۰  
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ ساعت: ۱۳:۰۰:۰۰  
مهلت ارسال پیشنهادات: تا ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ ساعت: ۱۳:۰۰:۰۰  
زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ ساعت: ۱۰:۰۰:۰۰

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:  
اصفهان - خیابان کاوه - جنب ترینال بالبدشت - کوچه شهید مقاره زاده  
۳۱-۳۸۱۸۸-۳۱ تلفن ثابت داخلی ۱۵۵

### آگهی مناقضه (نوبت اول)

این شهرداری در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۱۴۰۳/۱۰۰/۲۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۱ شورای اسلامی محترم شهر تیران در خصوص عملیات اجرایی آسفالت به صورت فینیشری و دستی در معابر سطح شهر از محل آسفالت قیر آمانی در اختیار کارخانه بنیاد مسکن نجف آباد از طریق مناقضه عمومی مطابق با شرایط مندرج در آگهی شماره ۲۰۰۳۰۹۵۴۶۲۰۰۰۰۰۷ مورخ ۲۰۰۳/۰۹/۰۵ سامانه تدارکات دولت الکترونیکی (سامانه ستاد) به پیمانکاران و واجدین شرایط اقدام نماید. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

مواعد زمانی:  
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵  
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۵  
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵  
زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

محسن دل کرمی (سرپرست شهرداری تیران)

### آگهی مناقضه (نوبت اول)

این شهرداری در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۱۴۰۳/۱۰۰/۳۹۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ شورای اسلامی محترم شهر تیران در خصوص عملیات مدیریت، حفظ، نگهداری، حراست و حفاظت از عرصه و اعیان محدوده کل فضای سبز شهر تیران و مستحقات محدوده پیمان از طریق مناقضه عمومی مطابق با شرایط مندرج در آگهی شماره ۲۰۰۳۰۹۵۴۶۲۰۰۰۰۰۷ مورخ ۲۰۰۳/۰۹/۰۵ سامانه تدارکات دولت الکترونیکی (سامانه ستاد) به پیمانکاران و واجدین شرایط اقدام نماید. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

مواعد زمانی:  
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵  
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۵  
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵  
زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

محسن دل کرمی (سرپرست شهرداری تیران)







**بیماران دیابتی دیگر جان به لب شده‌اند و کمبود قلم انسولین در داروخانه‌ها و سهمیه بندی آن، آن‌ها را کلافه کرده است.** غم و رنج بیماری یک طرف نبود دارویی که تزریق آن برایشان همچون نان شب واجب است از طرف دیگر، رمقی برای این بیماران باقی نگذاشته است.

سال بیستم شماره ۴۸۹۲ \* شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

# کام تلخ بیماران مبتلا به قند خون!

**جمعی از بیماران مبتلا به دیابت در گفت وگو با «اصفهان زیبا» از کمبود و سهمیه بندی انسولین گلایه دارند**



لیلالمیمی مدیر گروه جامعه

**❖ بیماران دیابتی دیگر جان به لب شده‌اند**

**و کمبود قلم انسولین در داروخانه ها و سهمیه بندی آن، آن‌ها را کلافه کرده است.**

**غم و رنج بیماری یک طرف نبود دارویی که تزریق آن برایشان همچون نان شب واجب است از طرف دیگر، رمقی برای این بیماران باقی نگذاشته است. کمبود قلم انسولین، اما موضوع تازه ای نیست؛ بلکه بیماران مبتلا به قند خون، سال‌هاست که با این مشکل روبرو هستند و هر روزشان را با این**

**پیدا کردن دارو به شب می‌رسانند؛ هراس و اضطرابی که برای بیماران مبتلا به دیابت، مثل سم می‌ماند و بیماری شان را تشدید می‌کند. انسولین تایاب است و این روزها در قوطی کمتر عطار ی پیدا می‌شود! بیماران مبتلا به قند خون، سرگردان شده‌اند و برای یافتن انسولین به ناچار از این داروخانه به آن داروخانه در رفت‌و آمد هستند تا شاید بتوانند داروی مورد نیازشان را پیدا کنند! البته اگر هم این اتفاق رخ دهد و بیماران موفق به یافتن انسولین در داروخانه‌ای شوند، باید آن را به صورت سهمیه بندی دریافت کنند؛ نه آن تعدادی که پزشک برایشان تجویز کرده است!**

**\* قصه بی پایان نبود انسولین!**

کمبود انسولین در داروخانه، قصه بی‌پایانی است که مدت‌هاست شروع شده و رنج بیماران مبتلا به دیابت را مضاعف کرده است.

مهرماه سال ۱۳۹۹ بود که نبود انسولین باعث شد کاربران فضای مجازی #انسولین\_نیست « را به راه بیندازند و از متولیان سلامت بخوانند کاری برای بیماران مبتلا به دیابت انجام دهند؛ البته نگرانی از بابت کمبود انسولین از اسفند سال ۱۳۹۸ آغاز شد و در شهریور سال بعد این نگرانی مضاعف و پائش به رسانه‌ها باز شد؛ به طوری که برخی از مسئولان وقت از جمله کریم همتی، رئیس جمعیت هلال احمر به این مسئله واکنش نشان داد و در گفت‌وگو با رسانه‌ها کمبود انسولین را تکذیب کرد؛ «مشکلی که در خصوص داروی انسولین وجود دارد، سود کمی آن برای داروخانه‌های خصوصی است؛ کمبود عمومی داروی انسولین و مشکل واردات نیز وجود ندارد. البته معمولاً داروخانه‌های در سطح شهر، داروی انسولین را نمی‌آورند، اما این دارو در داروخانه‌های هلال احمر و داروخانه‌های معین وزرات کشور در سراسر استان‌ها موجود است.»

فقط رئیس وقت جمعیت هلال احمر نبود که از کافی بودن ذخیره انسولین در آن زمان سخن به میان آورد؛ بلکه محمد رضا شانه‌ساز که رئیس سازمان

غذا و دارو در آن موقع بود نیز همان ماه به رسانه‌ها گفت که کمبود انسولین غیرقلمی (تزریقی) در کشور وجود ندارد. «بیماران دیابت برای تأمین این نوع انسولین هیچ مشکلی ندارند. محموله جدیدی نیز از انسولین قلمی خارجی طی روزهای گذشته در داروخانه‌ها توزیع شده که به صورت مدیریت‌شده در اختیار بیمارانی که به دنبال این نوع انسولین هستند، قرار می‌گیرد تا امکان سوء استفاده و فروش این دارو در بازار آزاد نیز گرفته شود. اخیراً یک شرکت ایرانی نیز موفق به تولید یک نوع انسولین قلمی از نوع انسولین کلارژن شده؛ اما انسولین‌های پیدا کردن دارو به شب می‌رسانند؛ هراس و اضطرابی که برای بیماران مبتلا به دیابت، مثل سم می‌ماند و بیماری شان را تشدید می‌کند. انسولین تایاب است و این روزها در قوطی کمتر عطار ی پیدا می‌شود! بیماران مبتلا به قند خون، سرگردان شده‌اند و برای یافتن انسولین به ناچار از این داروخانه به آن داروخانه در رفت‌و آمد هستند تا شاید بتوانند داروی مورد نیازشان را پیدا کنند! البته اگر هم این اتفاق رخ دهد و بیماران موفق به یافتن انسولین در داروخانه‌ای شوند، باید آن را به صورت سهمیه بندی دریافت کنند؛ نه آن تعدادی که پزشک برایشان تجویز کرده است!

معمولاً تا کبید می‌کنند که از انسولین ایرانی استفاده نکنند و تا جایی که برایشان مقدور است نوع خارجی را جایگزین کنند؛ این در حالی است که انسولین خارجی در داروخانه‌ها نایاب است و اگر هم پیدا شود، بیماران باید آن را به صورت سهمیه بندی دریافت کنند یا آزاد بخرند؛ قلمی که نرخ آزادش چیزی حدود ۱۳۸ تا ۱۵۰ هزار تومان است و باعث می‌شود بیماران مبتلا به قند خون به ناچار هزینه زیادی را بابت خرید انسولین هزینه کنند. هرکس باتوجه به میزان نیازش انسولین تزریق می‌کند. یک نفر ممکن است این قلم را ۱۰ روزه تمام کند و دیگری در یک هفته، حسن هم می‌گوید که هر چند وقت یکبار، برای یافتن انسولین باید داروخانه‌های شهر را زیر پا بگذارد؛ « پدر من سالمن است و پارکینسون هم دارد. چند سالی می‌شود که انسولین قلمی "نوومیکس" تزریق می‌کند. اما این دارو اکنون با سختی در داروخانه‌ها یافت می‌شود؛ در صورتی که برای بیماران دیابتی تزریق انسولین از نان شب واجب‌تر است،» داروخانه داران نیز می‌گویند سهمیه آن‌ها محدود شده است و تنها با نسخه پزشک می‌توانند دو یا سه عدد قلم انسولین در اختیار بیمار دیابتی می‌گویند به خاطر تحریم این دارو وارد نمی‌شود. به داروخانه‌های زیادی سر زده‌ام ولی نتوانسته‌ام "نوومیکس" را پیدا کنم. اگر آشنادر داروخانه داشته باشی، مشابه ایرانی را می‌توانی پیدا کنی که آن هم به بدن من سازگار نیست و استفاده از آن عوارضی را به دنبال دارد.» پزشکان هم به بیماران

بتوانیم از منابع خارجی تأمین کنیم، میسر نیست، اما نظر به اینکه برخی از بیماران برای مصرف نمونه خارجی فشاری دارند، باید از قبل سهمیه آن‌ها مشخص شود. مشابه تمامی انسولین‌های قلمی وارداتی در داخل تولید می‌شود و مشکلی برای تأمین داروی این بیماران وجود ندارد؛ اما برخی بیماران برایشان سخت است که به همین دلیل نیز هزینه تأمین آن، برای بیماران بالاست و دارو به درستی جایگزین نشده است. شرکت تولیدکننده مدعی است که واردات به درستی انجام شده و شاید توزیع آن مشکل دارد. همه این‌ها اما دست به دست هم داده تا وضعیت نامطلوبی را برای بیماران مبتلا به دیابت رقم بزند و این دارو حتی به صورت سهمیه بندی در داروخانه‌ها توزیع شود؛ درحالی‌که ممکن است یک بیمار به میزان بیشتری از مصرف نیاز داشته باشد. «او در رابطه با عدم تمایل بیماران به مصرف انسولین‌های ایرانی می‌گوید: «دارویی که وارد بازار می‌شود، باید مورد مطالعات دقیق و کارشناسانه قرار گرفته باشد؛ منتهی انجام این مطالعات، زمان بر و طولانی است. حتماً سازمان غذا و دارو از شرکت‌ها مستندات کافی برای صدور مجوز تولید دارو را مطالبه می‌کند. باید بپذیریم که اکنون در شرایط مطلوبی قرار نداریم و تحریم‌ها باعث شده تا امکان واردات برخی از داروها به کشور وجود نداشته باشد؛ به همین دلیل تأمین داروسخت است. مصرف داروهای ایرانی قطعاً بهتر از عدم مصرف آن است؛ ولی دارویی که برند معتبری دارد، مسلماً مطالعات بیشتری در رابطه با آن انجام شده است.»

**\* دارو نیست!**

مسئولان حوزه سلامت می‌گویند کمبود آن چنانی در بازار وجود ندارد؛ اما بیماران مبتلا به دیابت نوع یک، زیر بار این حرف‌ها نمی‌روند و می‌گویند دارو ندارند و کمبود انسولین آن‌ها را به گوش آورده است. همه این گلایه‌ها را به گوش مسئولان سازمان غذا و دارو در اصفهان می‌رسانیم و روی میز آن‌ها قرار می‌دهیم. محمد سلطانی، مدیر اداره نظارت بر امور دارو و مواد تحت کنترل معاونت غذا و دارو، اما سوالات «اصفهان زیبا، در رابطه با کمبود انسولین در اصفهان را به صورت مکتوب و مختصر از طریق روابط عمومی پاسخ می‌دهد؛ آنجا که می‌گوید: «انسولین‌های قلمی در بازار انواع مختلفی دارند. یکی از انواع این انسولین‌ها با نام تجاری "نوومیکس" را محدودیت در توزیع مواجه است. دلیل آن عدم توانایی شرکت تأمین‌کننده است و در حال حاضر کمتر از حد نیاز کشور تأمین شده و البته کمبود جهانی انواع انسولین‌های قلمی به دلیل اختصاص دهد. شیوع دیابت در استان اصفهان در حال افزایش است. در این میان اما تعدادی از این بیماران دیابت وایسته به انسولین دارند و باید از این دارو حتماً استفاده کنند؛ دارویی که حالا نایاب شده و دست بیماران را در پوست گردو گذاشته است. سید حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو در این باره به «ایسنا» گفته است که نیمی از انسولین قلمی مورد نیاز بیماران دیابتی از محل تولید داخل و نیمی دیگر از طریق واردات تأمین می‌شود. او با اشاره به اینکه کمبود برخی از انواع انسولین‌های قلمی به دلیل کاهش تولید شرکت خارجی است، اظهار می‌کند: «شرکت نوومیکس تولید خود را کاهش داده و به تبع آن تنها یک چهارم سهمیه درخواستی ایران را تحویل داده است، اما با کمک تولیدکننده داخلی که این دارو را تحت لیسانس تولید می‌کند، بخشی از کمبود را جبران کردیم. باتوجه به محدودیت منابع مالی امکان اینکه تمام بازار را

## اصفهان زیبا

\* جامعه \*

**\* بیماران سرگردان!**

کمبود انسولین، بیماران و خانواده‌های آن‌ها را نگران کرده است و وعده‌و وعیدها در رابطه با تأمین این دارو از سوی مسئولان و متولیان حوزه سلامت نیز هنوز راه به جایی نبرده است. یکی از اعضای انجمن دیابت اصفهان که تمایلی به درج نامش در این گزارش ندارد، به «اصفهان زیبا» می‌گوید بیمارانش حدود چند ماهی می‌شود که با کمبود انسولین مواجه شده‌اند. «آن‌ها حیران و سرگردان از این داروخانه به آن داروخانه می‌روند. تنها جایی که برخی می‌توانند انسولین پیدا کنند، داروخانه هلال احمر است که بیمار باید به صورت سهمیه بندی و همچنین با صرف وقت بسیار دارویش را تأمین کند.» او می‌گوید که هر بیمار بسته به شرایط بیماری‌اش باید میزان مشخصی از انسولین را دریافت کند و شرایط هر فرد با فرد دیگر متفاوت است. برخی از بیماران نیز که توانایی رفتن به داروخانه و معطلی بسیار را ندارند، اصلاً قید استفاده از انسولین را زده‌اند و داروی خود را قطع کرده‌اند؛ ضمن اینکه برخی نیز توان خرید انسولین آزاد را ندارند؛ متأسفانه قطع انسولین عوارض متعددی همچون ناپینایی و زخم پا و... برای این

بیماران دارد، «با این وجود آمار مبتلایان به دیابت در کشور بالاست و روزبه روز بر تعداد این بیماران افزوده می‌شود. کیفیت بالاتر و عوارض کمتر. این اتفاق تقریباً حدود ۹ ماه قبل شروع شده و این شرکت هم برنامه معرفی داروی جدیدش در ایران را شروع کرده است. در این میان، اما مشکلی که به وجود آمده این است که در سیستم بیمه این دارو هنوز حمایت نشده و به همین دلیل نیز هزینه تأمین آن، برای بیماران بالاست و دارو به درستی جایگزین نشده است. شرکت تولیدکننده مدعی است که واردات به درستی انجام شده و باید توزیع آن مشکل دارد. همه این‌ها اما دست به دست هم داده تا وضعیت نامطلوبی را برای بیماران مبتلا به دیابت رقم بزند و این دارو حتی به صورت سهمیه بندی در داروخانه‌ها توزیع شود؛ درحالی‌که ممکن است یک بیمار به میزان بیشتری از مصرف نیاز داشته باشد. «او در رابطه با عدم تمایل بیماران به مصرف انسولین‌های ایرانی می‌گوید: «دارویی که وارد بازار می‌شود، باید مورد مطالعات دقیق و کارشناسانه قرار گرفته باشد؛ منتهی انجام این مطالعات، زمان بر و طولانی است. حتماً سازمان غذا و دارو از شرکت‌ها مستندات کافی برای صدور مجوز تولید دارو را مطالبه می‌کند. باید بپذیریم که اکنون در شرایط مطلوبی قرار نداریم و تحریم‌ها باعث شده تا امکان واردات برخی از داروها به کشور وجود نداشته باشد؛ به همین دلیل تأمین داروسخت است. مصرف داروهای ایرانی قطعاً بهتر از عدم مصرف آن است؛ مسلماً مطالعات بیشتری در رابطه با آن انجام شده است.»

**تنها جایی که برخی می‌توانند انسولین پیدا کنند، داروخانه هلال احمر است که بیمار باید به صورت سهمیه بندی و همچنین با صرف وقت بسیار دارویش را تأمین کند**



ا نگاه روز ا

**سایه‌گنبد حرارتی بر اصفهان!**



**گروه جامعه**

دمای هوای اصفهان در روزهای گذشته به بالای ۴۰ درجه رسید و همین هم سبب شد تا دو روز چهارشنبه و پنج‌شنبه تمامی ادارات و مراکز مختلف در سطح شهر به منظور صرفه جویی در استفاده از برق، تعطیل شود؛ گرمایی که البته فقط در اصفهان پدیدار نشد و در همه نقاط کشور به اوج خود رسید و دلیل آن را هم سایه انداختن گنبد حرارتی بر کشور دانستند.

بنا به گفته رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، وجود گنبد حرارتی در مرداد امسال در پهنه وسیعی از کشور رخ داد و این موضوع می‌تواند شوک بسیار زیادی به منابع زیستی و طبیعی وارد کند.

علی‌سلاجقه با اشاره به اینکه باتوجه به شرایط تغییر اقلیمی که حاکم بر جهان شده و کشور ما هم تحت تأثیر قرار گرفته است، وقتی شرایط پایدار یک منطقه اهم از بارش و درجه حرارت دستخوش تغییر می‌شود، اولین جایی‌که دچار شوک می‌شود تنوع زیستی اعم از پوشش گیاهی و جانوری است، می‌گوید؛ یکی از خصوصیات تغییرات اقلیمی نابسامانی‌های اقلیمی است؛ به نحوی‌که گرم‌ترین یا سردترین روزهای سال از لحاظ زمانی جابه‌جا می‌شوند.

آن چیزی که امسال شاهدش بودیم، وجود گنبد حرارتی در مرداد امسال است و اگر در آمار اقلیمی در درازمدت نگاه کنیم همچنین حرارت‌هایی را به این صورت و در پهنه وسیعی از کشور به ندرت مشاهده کرده‌ایم و این رخداد شوک بسیار زیادی به منابع زیستی و طبیعی وارد خواهد کرد. در چنین شرایطی یک شیب منفی اتفاق افتاده و گیاه پژمرده می‌شود و به طبع آن پوشش جانوری هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نهایتاً مجموع چرخه حیات دستخوش تغییر خواهد شد.

**\* وقتی زور گرمای بیشتر است**

گرمای بی‌سابقه در اصفهان، اما زورش بسیار بیشتر از این حرف‌ها بود. اگرچه نداییری برای کاهش مصرف انرژی اندیشیده شد، باز هم این اقدامات نتوانست مؤثر باشد و برخی از نقاط استان با قلمی برق مواجه شدند؛ اتفاقی که موجب تحمیل ضرر و زیان به بعضی از اصناف شد.

گرما اما هنوز پایان نیافته است و بنا بر پیش‌بینی‌های هواشناسی تا اوایل این هفته نیز ادامه خواهد داشت؛ گرمایی که اغلب باران‌زگردها اغشته می‌شود و تنفس را برای اصفهانی‌ها سخت می‌کند؛ «بررسی نقشه‌های هواشناسی حاکی از ماندگاری توده‌های گرم تا اوایل هفته آینده در سراسر استان و کاهش احتمالی کیفیت هواد در مناطق شرقی و مرکزی اصفهان است.»

البته هواشناسی همچنین گفته است که به دلیل دمای بالای در استان، کاهش دما در روزهای آتی نیز چندان محسوس نخواهد شد.

بروز گرمای بی‌سابقه در روزهای اخیر در حالی است که پیش‌ازین هواشناسی اعلام کرده بود که اگرچه امسال نیز همانند سال گذشته تابستان داغی را در اصفهان تجربه خواهیم کرد، این گرما همچون سال گذشته مستمر نخواهد بود!

ظاهر اما این اتفاق نینفتاد و گرمای هوا به صورت مستمر و پی‌درپی، عرصه را بر اصفهانی‌ها تنگ کرد؛ گرمایی که خیلی‌ها معتقد هستند، بروز تغییرات اقلیمی و پدیده گرمایش جهانی در پیدایش آن مؤثر است و خشکی زاینده‌رود هم به آن دامن می‌زند؛ البته مطابق گزارش سازمان هواشناسی جهانی، در سه دوره سی‌ساله اخیر نیز افزایش دما وجود داشته، اما به این شدت نبوده است.

مثلاً در دوره ۱۹۶۰الی ۱۹۹۰ قاره آسیا و اروپا حدود دو تا سه‌دهم درجه افزایش دما داشتند؛ ولی در دوره سی‌ساله ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ این افزایش دما به میزان پنج‌دهم درجه برای قاره آسیا و شش‌دهم درجه برای قاره اروپا بوده است.

اتفاقی که طی این سال‌ها افتاده، این است که میانگین دمایی امسال در سال گذشته از میانگین دمایی ۳۰ سال اخیر (۱۳۷۱-۱۴۰۱) حدود یک‌نیم درجه بیشتر بوده است. این میانگین دمایی در واقع میانگین حاصل جمع دمای بیشینه و دمای کمینه است که در زمان‌های مشخص محاسبه و مقایسه می‌شود. به گفته احمد وظیفه، کارشناس هواشناسی گرم‌تر بودن یا سردتر بودن میانگین دما در مقایسه با دوره‌های پیشین، معمولاً به عنوان بی‌هنجاری دمایی شناخته می‌شود.

بررسی میانگین دمای کشور نشان می‌دهد به طور متوسط در هر دهه ۰٫۴ درجه افزایش دما وجود داشته است. گرمای بی‌سابقه اما عارضه‌هایی همچون افزایش مصرف حامل‌های انرژی، گرمادگی به‌ویژه برای گروه‌های حساس، احتمال آتش‌سوزی در مراتع و نواحی جنگلی به دلیل گرمای هوا و همراهی با وزش باد احتمال خسارت ناشی از تنش دمایی در بخش کشاورزی و دامداری، افزایش غلظت آلاینده به واسطه افزایش آزن سطح زمین، غبار آلودگی، کاهش شمع دید و کیفیت هوا، قرارگرفتن شاخص کیفیت هوا در شرایط نا سالم، احتمال اختلال تردد در دموحرهای مواصلاتی در نیمه شرقی و شمالی استان، احتمال آسیب به سازه‌های موقتی را به همراه دارد.





# سرنوشت عجیب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی!

## گاه شمار گروه های مبارز هفت گانه مسلمان

سید مصطفی تاج زاده، هاشم آغاچری و... اقدام به تجدید حیات سازمان کردند و این بار به عنوان «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران»، به طور رسمی از وزارت کشور اجازه فعالیت گرفتند و مواضع آن ها بیشتر انتقاد از عملکردهای دولت هاشمی رفسنجانی بود. پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ این سازمان به عنوان بخشی از جبهه اصلاحات بود و در نهایت این گروه که آشکارا بسیاری از ارزش ها را پایان یافته تلقی می کرد، در دقت ۸۸، بدون ارائه هرگونه سند قانونی در مقابل نظام قرار گرفتند و با دستگیری برخی از سران آن مانند بهزاد نبوی، عملاً مجوز آن باطل و فعالیتش غیرقانونی اعلام شد.

گروه دیگر، سرانجام سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را به وجود آوردند؛ اما هویت این سازمان در سال های دهه ۷۰ به بعد با سازمانی که در ۱۳۵۸ تشکیل شد، تفاوت اساسی دارد. سازمان اولیه به دلیل وجود افکار انقطاعی داخل سازمان، دچار اختلاف درونی شد و امام خمینی (ره) طی نامه ای از اعضای سازمان خواست که با آیت الله راستی کاشانی همکاری کنند یا استعفا دهند؛ در نتیجه ۳۷ نفر از جناح چپ سازمان در دی ۱۳۶۱ استعفا دادند و سازمان روزبه روز ضعیف تر شد؛ تا اینکه سرانجام در ۱۳۶۵ منحل شد. در ۱۳۷۰ اعضای مستعفی سازمان قبلی شامل بهزاد نبوی، محمد سلامتی، محسن آرمین،

در بین سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ هفت گروه مبارز با نظرها و دیدگاه های نزدیک به هم، در نقاط مختلف کشور در حال مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه بودند. گستره فعالیت این گروه ها از زندان رژیم شاه (امت واحد)، تا خارج از کشور (توحیدی فلق) و از تهران و اطراف آن (فلاح و بدر)، تا استان های جنوبی، خوزستان و کرمان (موحدین) یا اصفهان و تهران (صف) را دربر می گرفت. بیشتر این گروه ها در مخالفت با مجاهدین خلق و در ارتباط نزدیک با رهبری نهضت اسلامی، یعنی امام خمینی (ره) بودند. از آنجا که زندانیان امت واحد به تدریج از زندان ها آزاد شدند، پس از جلسه های متوالی و اتحاد با شش

### ۱۳۵۷

**ادامه**

- اعدام اسماعیل حدیدی، رئیس پلیس رفسنجان، به وسیله گروه منصورون که در سازمان دهی چماق به دستان نقشی فعال داشت.
- حمله به احمدزاده، مأمور آگاهی شهر فسا، توسط گروه منصورون.
- تدارکات فنی و موتوری راهپیمایی ها و مراسم ورود امام به گروه فلاح سپرده شد.
- یک واحد از زندگان گروه منصورون در مقابل ساختمان شهرداری و نیروی پایداری بهبهان، سروان داودی و سرهنگ امیری را به علت سرکوبی مردم، اعدام انقلابی کردند.
- **بهمن:** سرگرد عیوقی، رئیس گارد دانشگاه جندی شاپور، به علت سرکوب دانشجویان بی گناه دانشگاه های تبریز، شیراز و اهواز و همچنین شکتاری، رحمانه مردم اهواز در ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ و سازمان دهی مزدوران چماق به دست در ۲۷ دی ۱۳۵۷ به وسیله گروه منصورون، طی عملیاتی به هلاکت رسید.
- غلامحسین دانشی، نماینده آبادان در مجلس شاه، به رگبار مسلسل بسته شد. سازمان موحدین مسئولیت این تیراندازی را به عهده گرفت.
- اعدام انقلابی سرهنگ معتضدی، رئیس شهرداری کرمان، توسط تیمی از منصورون به دلیل دخالت در کشتار مردم و فرماندهی عملیات ضد مردمی چماق به دستان.

### ۱۳۵۶

- **فروردین:** یکی از اعضای گروه توحیدی بدر که در پاکان گارد جاویدان لویزان خدمت می کرد، پس از چندین دفعه شناسایی موفق به مسافره کلت کالیبر ۴۵ و چهار عدد کارد سنکری شد؛ همچنین توسط این فرد، انبار مخابرات پاکان لویزان شناسایی و یک دوربین آمریکایی و هفت عدد کارد سنکری به سرقت برده شد.
- سفر مرتضی الویری و همسرش به خارج از کشور و ملاقات با امام در نجف و مذاکره در باب منشی مسلحانه و استفاده از رهنمودهای ایشان.
- بازگشت از این سفر گروه فلاح که در منشی مسلحانه به بن بست رسیده بود، اکنون منشی فرهنگی را انتخاب کرد.
- **آذر:** پلیس و گارد شهرداری اصفهان، در ادامه مراقبت هایی که از چند روز پیش برای جلوگیری از تظاهرات دانشجویان به مناسبت سالگرد جنبش ۱۶ آذر انجام داده بود، به سید نورالدین شاه صفدری، از اعضای گروه منصورون مشکوک شد و در نبردی را برابر او را به شهادت رساند.
- فعالیت های انجمن های اسلامی شمال کالیفرنیا توسعه یافت و گروه فلق در اواخر این سال پدید آمد.
- در اواخر این سال، سه تن از اعضای گروه فلاح به طور جداگانه و ظاهراً بدون ارتباط با هم دستگیر شدند.

### ۱۳۵۳

**ادامه**

- گروهی که در اهواز از ۱۳۵۱ به فعالیت انقلابی مشغول بود، از طریق نورالدین شاه صفدری با گروه خرمشهر و سبحانی ارتباط برقرار کرد.
- **بهمن ۱۳۵۳:** در جریان خلع سلاح با سپان خیابان هدایت، مهدی نیکدل، از اعضای گروه امت واحد، توسط مأموران ساواک شناسایی و دستگیر شد.

### ۱۳۵۴

- **فروردین:** پیوستن مجاهد شهید غلامحسین صفاتی و یارانش به شاخه های مبارزان خرمشهر و اهواز و در فلول و بنیان گذاری گروه منصورون.
- **بهمن:** محمد علی باقری و محمود پهلوان به حکم دادگاه نظامی تبریران شدند و مهدی نیکدل و نوراحمد لطیفی به حبس ابد محکوم شدند.
- **اسفند:** رضا فاطمی و محمد علی موحدی از هم برکنار شدند. امام خمینی (ره) اعضاء گروه امت واحد، به حکم دادگاه نظامی اعدام شدند.
- آغاز فعالیت مبارزاتی ایدئولوژیکی گروه فلاح، «سازمان توحیدی مجاهدین خلق» یا «گروه انقلابی رضایی» که بعدها «گروه توحیدی بدر» نام گرفت، هویت گروهی یافت و با تنظیم اساننامه ای، برنامه و اصول حرکت مبارزاتی خود را مشخص کرد.

### ۱۳۵۱

- دستگیری بهزاد نبوی و مهندس رضا عسگریان به علت فعالیت در «جبهه دمکراتیک ملی».
- [شهید] غلامحسین صفاتی در فلولی به عنایت سازمان مجاهدین خلق درآمد.



شهید غلامحسین صفاتی، پس از ارتداد مجاهدین خلق، از آن ها جدا شد و در تاسیس گروه منصورون نقش ایفا کرد. شهادت در بهمن ۱۳۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه.

### ۱۳۳۹

- آغاز کار تشکیلاتی بهزاد نبوی، از اعضای گروه «امت واحد» در «کمیته جبهه ملی دانشگاه پلی تکنیک».



بهزاد نبوی (متولد ۱۳۲۱) از مبارزان سیاسی با گرایش چپ بود که در زندان با شهید رضایی آشنا و همین امر موجب گرایش او به اندیشه های اسلامی شد. پس از پیروزی انقلاب، او حمایت شهید رضایی به کابینه او راه یافت. او بعدها یکی از سران جریان اصلاحات بود که در دوره ششم مجلس شورای اسلامی، به عنوان نماینده تهران انتخاب شد. از او در عرصه سیاست ایران به «چریک پیر» یاد می شود.

مطالب فوق، عمدتاً از کتاب «تاریخ شفاهی گروه های مبارز هفت گانه مسلمان»، نوشته آقای جلیل امجدی استخراج شده است.




### ۱۳۵۷

- **خرداد:** ساواک با شناسایی های قبلی توانست شماری از افراد مرتبط با گروه توحیدی بدر را در شیراز و سایر شهرها دستگیر کند.
- **مرداد:** در رستوران خوانسار تهران، محل تجمع آمریکایی های مقیم ایران، بمبی منفجر شد و تعدادی کشته و زخمی شدند. این عملیات توسط گروه توحیدی صف اجرا شد.
- **شهریور:** سه تن از اعضای گروه منصورون برای آموزش نظامی و آموختن تجارب مبارزاتی به سوریه و لبنان اعزام شدند.
- **مهر:** در اتوبوس آمریکایی ها در اصفهان، بمب منفجر شد و عده ای مجروح شدند. گروه توحیدی صف مسئولیت این انفجار را برعهده گرفت.
- نامه ۳۲ تن از اعضای گروه امت واحد به روزنامه کیهان و رونوشت آن به کمیته حقوق بشر ایران و کانون وکلای دادگستری که در زندان قصر دست به اعتصاب غذا زده بودند. آن ها در این نامه، مبارزه های ملت به رهبری امام را مورد تأیید قرار داده و کشتار مردم توسط رژیم را محکوم کرده بودند.
- هم زمان با فشار رژیم بعثی عراق بر امام و فشار رژیم برای قطع ارتباط بین امام و امت، یکی از تیم های عملیاتی منصورون به کنسولگری عراق در خرمشهر حمله کرد.
- با ورود امام به پاریس، اعضای گروه فلق، برای پیوستن به جنبش، دو گروه شدند. گروه اول پس از ملاقات با امام برای آموزش نظامی راهی سوریه و لبنان شده و گروه دوم مستقیماً وارد ایران شدند.
- بمبی که در سالن شهرداری کرمان کار گذاشته شده بود، قسمتی از ساختمان آن را منهدم کرد. این بمب توسط گروه موحدین کار گذاشته شده بود.
- اعدام انقلابی سرهنگ سروری، مجری طرح حمله به مسجد جامع کرمان، توسط یک واحد نظامی موحدین.
- **آذر:** فرخ شاهی، استوار ژاندارمری در فلول و عامل سرکوب تظاهرات مردم، توسط یکی از تیم های عملیاتی منصورون به هلاکت رسید.
- مبارزه زندانیان مسلمان امت واحد برای گرفتن حق نماز جماعت در زندان قصر و تبعید تعدادی از آنان به زندان عادی.
- در پاییز زمستان این سال، گروه «فلق» نزدیک ۴۰۰ نفر تحت آموزش نظامی و ساخت مواد منفجره قرار دادند.
- **دی:** یک واحد نظامی گروه موحدین اتومبیل «پل کریم»، مدیر ارشد عملیات بهره برداری و تولید مناطق جنوب و عامل سیا و طراح نقشه سرکوبی اعتصاب کارکنان صنعت نفت را محاصره و به گلوله بست. او در دم جان سپرد. واحد عملیاتی به سلامت به پایگاه بازگشت.
- اعدام یداللهی، معاون ضد اطلاعات رفسنجان، توسط تیمی از گروه منصورون به خاطر شرکت فعال در حمله چماق به دست ها به مردم.
- اعدام علی مسیحی، شهردار رفسنجان و حسین مولایی، معاون او به وسیله گروه منصورون به خاطر تضییع حقوق و دستمزد کارکنان قفیر شهرداری و شرکت فعال او در حمله چماق به دست ها به مردم.

### ۱۳۵۵

**بهمن:** در درگیری مسلحانه بین اعضای گروه منصورون و مزدوران رژیم، غلامحسین صفاتی و حسن هرمزی به شهادت رسیدند و مهدی هندران، یکی دیگر از اعضای گروه دستگیر شد. هندران زیر شکنجه به شهادت رسید.



شهید محمد منتظر قائم، نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ریزد بود که در ۱۳۵۹ با دستور خائنانه بنی صدر برای بمباران هلی کوپترهای پرومانده آمریکایی در محصرای طیس به شهادت رسید. برادر کوچک تر او حسن منتظر قائم نیز از نویسندگان خوش ذوق بود که بیانیه های گروه را می نوشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی از پایه گذاران کیهان فرهنگی بود. حسن منتظر قائم در ۱۳۶۴ بر اثر تصادف به همراه همسر و سه فرزندش جان باخت.

### ۱۳۵۲

- پی ریزی اصول کلی تشکیلات گروه «فلاح» در زندان قصر با همکاری مرتضی الویری و محمد منتظر قائم و حسن منتظر قائم.



شهید محمد منتظر قائم، نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ریزد بود که در ۱۳۵۹ با دستور خائنانه بنی صدر برای بمباران هلی کوپترهای پرومانده آمریکایی در محصرای طیس به شهادت رسید. برادر کوچک تر او حسن منتظر قائم نیز از نویسندگان خوش ذوق بود که بیانیه های گروه را می نوشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی از پایه گذاران کیهان فرهنگی بود. حسن منتظر قائم در ۱۳۶۴ بر اثر تصادف به همراه همسر و سه فرزندش جان باخت.

### ۱۳۴۴

- تشکیل سازمان «مجاهدین خلق ایران».

### ۱۳۴۹

حمله «چریک های فدایی خلق» به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، آغاز رسمی مبارزه مسلحانه چریکی در ایران.

- گروهی از جوانان انجمن اسلامی خرمشهر با فعالیت مذهبی در مساجد و انتشار نشریه، مبارزه های خود را علیه رژیم آغاز کردند. این گروه بعدها با پیوستن به گروه اهواز، سبحانی و غلامحسین صفاتی، گروه «منصورون» را پدید آوردند.

### ۱۳۵۰

- گروه [شهید] عبدالحسین سبحانی که در در فلول با برگزاری جلسه هایی به روشنگری و اشاعه فرهنگ اسلامی می پرداختند، با فرارسیدن جشن های ۲۵۰۰ ساله، هسته ای زیرزمینی تشکیل دادند و حمله های خود را علیه رژیم آغاز کردند.
- مرتضی الویری، از بنیان گذاران گروه «فلاح» در جریان بخش جزوه ولایت فقیه دستگیر و پس از چندی آزاد شد. او تا ۱۳۵۶، سه نوبت دیگر هم دستگیر شد.



مرتضی الویری (متولد ۱۳۳۷)، عضو دوره پنجم شورای شهر تهران، نماینده سه دوره اول مجلس غلامحسین کرباسچی شهردار تهران پس از اعدام امام خمینی است. او از اعضای حزب کارگزاران سازندگی است.

### زمستان ۱۳۵۰:

«سازمان مجاهدین خلق» آغاز کرد. او اطلاعات مربوط به شناسایی دفتر مجله «ابن هفتم» را در اختیار سازمان مجاهدین خلق گذاشت. پس از چندی دفتر این مجله توسط اعضای سازمان منفجر شد.

### ۱۳۵۳

- فعالیت سیاسی مذهبی گروه «فلق» با نام «انجمن های اسلامی و فرهنگی» توسط دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا.
- در ماه محرم، گروه بدر با راه انداختن دسته های سینه زنی به روش جدید، شروع به شکل گیری کرد.
- سید نورالدین شاه صفدری از اعضای گروه «منصورون» در رابطه با پیش اعلامیه و تماس با برادران مبارزش که دستگیر شده بودند، به زندان افتاد.



شهید سید نورالدین شاه صفدری در آذر ۱۳۵۶ در یک درگیری مسلحانه نابرابر با جلاان رژیم، در اصفهان به شهادت رسید.

صفهان زیبا  
گروه رسانه ای



<span><span> </span></span>
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div><span></span></div><div><div><span><span> </span></span></div><div><span><b>علی رئیس</b></span></div></div></div></div> <div>دیر صفحه هنر</div>



**علی رئیس** یکی از وسیع‌ترین بخش‌های هنر است که ایران عزیز توانسته هنرمندان و آثار بی‌ظنیری را در این رشته پرورش دهد. استاد مسیح احمدی یکی از این نخبه‌های با استعداد است که در زمینه مجسمه‌سازی، ساخت و آموزش مدال هنری توانسته به شهرت جهانی برسد. مسیح یکی از اعضای انجمن مدال هنری لندن است و همچنین تنها نماینده ایران در «فیدم» محسوب می‌شود. آثار این هنرمند اصفهانی در حدود سیزده نمایشگاه داخلی و بین‌المللی نگهداری شده و همچنین صاحب مقالات معتبری در رشته هنری خود است. «اصفهان‌زیبا» برای شناخت بیشتر شما درباره هنر «مجسمه‌سازی» و «ساخت مدال هنری» و همچنین بررسی شرایط «استعدادی» در این زمینه، با این هنرمند جوان و پرافتخار اصفهانی به گفت‌وگو پرداخته است. <sup>۱</sup>

مجسمه‌سازی بگوبید.

در سال ۱۳۸۸ که دوره تحصیل، تصویرسازی و خلاقت را با خانم طاهره محبی تابان گذراند، من را به آقای پرویز تناولی معرفی کردند. ایشان علم کافی در زمینه مدال‌های بین‌المللی را داشتند و تکنیک‌های زیادی را به من آموختند. از سال ۱۳۹۰ تاکنون در کارگاه خودم و همچنین دوره‌های بین‌المللی در سراسر جهان، مشغول فعالیت هنری در این رشته هستم. درواقع حضور من در این رشته بیشتر دلی و قلبی است و درآمد من از طریق رشته معماری تأمین می‌شود. در این مدت چندین مقاله نوشتم و از نظر علمی خودم را تقویت کردم؛ اما چیزی که پایز کمشده من بود، تدریس بود. به همین دلیل تدریس به دانشجویان، دانش‌آموزان و هنرجویان را آغاز کردم و با آن‌ها ارتباط خوبی دارم. به نظر من اساس هنرهای تجسمی ریشه در تفکرات و تخیلات کودکان دارد، به همین دلیل تصمیم گرفتم به کودکان آموزش بدهم. در این مسیر هم سراغ گروه‌های متفاوتی رفتم؛ برای مثال برای آموزش سراغ کودکان اوتیسم، بی‌سرپرست، کم‌برخوردار و… رفتم. فکر می‌کنم هر روزی که می‌گذرد، در حال یادگیری تجربه جدیدی هستم و دلیل این موضوع، بزرگی جهان هنرهای تجسمی است.

**درباره ماهیت تخصص خود یعنی مدال هنری بگوئید.**

رشته مدال هنری بسیار خاص و بکر است. بسیاری از دوستان و همکاران من سراغ مجسمه‌سازی و جواهرات رفتند؛ اما مدال هنری برای من جذاب‌تر بود. در همان زمان که هنرجوی استاد تناولی بودم، به ایشان گفتم می‌خواهم در حوزه مدال هنری کار کنم و ایشان هم از این انتخاب استقبال کردند. در سال ۲۰۱۵ موفق شدم اولین اثر خودم را به بلژیک ارسال کنم و در سال ۲۰۱۶ نیز، نماینده فیدم به اصفهان آمد و آثار من را مشاهده

هنرهای تجسمی یکی از وسیع‌ترین بخش‌های هنر است که ایران عزیز توانسته هنرمندان و آثار بی‌ظنیری را در این رشته پرورش دهد. استاد مسیح احمدی یکی از این نخبه‌های با استعداد است که در زمینه مجسمه‌سازی، ساخت و آموزش مدال هنری توانسته به شهرتی جهانی برسد.

سال بیستم \* شماره ۴۸۹۳ \* شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

# از ایده‌های کودکانه تا مدال‌های نفیسی!

## واکاوی هنرهای تجسمی در گفت‌وگو با هنرمند پرافتخار اصفهانی

به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر خواهیم کرد و از چالش‌ها و تکنیک‌های ارتباط با این عزیزان خواهیم گفت.

**هنر مجسمه‌سازی شامل چه شاخه‌هایی می‌شود؟**
هنر مجسمه‌سازی شاخه‌های گوناگونی دارد. اگر بخواهم مجسمه‌سازی را تعریف کنم، به نظر من هر جسمی که مفهوم داشته باشد و با کمک تکنیک، به حجم تبدیل شود، مجسمه است. مجسمه فقط برای فضای شهری یا گوشه خانه نیست؛ درواقع مجسمه به دلیل مفهوم داشتن، می‌تواند شبیه یک فیلم، کتاب، موسیقی یا هر هنر مفهومی دیگر کاربردی و تأثیرگذار باشد. به نظر من مجسمه‌سازی هنر فرم، مفهوم و تفکر خلاقت است. مجسمه می‌تواند مدال، جواهرزینتی، اثر شهری، ماشین، ساختمان یا یک ابزار باشد؛ برای مثال در تاریخ ما، قفل‌های ایرانی نوعی مجسمه کاربردی خاص محسوب می‌شوند. کفگیر، چاقو، کلاه و… همگی می‌توانند مجسمه‌هایی باشند که کاربردهای متفاوتی در زندگی مردم دارند. در کل به نظر من مجسمه‌سازی محدودیتی ندارد.

**در این مسیر موفق به کسب چه افتخاراتی شدید؟**

جوایز زیادی را در این سال‌ها به علت کار در رشته مدال هنری کسب کرده‌ام؛ اما فکر می‌کنم بزرگ‌ترین افتخار من، مهم‌ترین افتخار ایران در زمینه مدال هنری است و این افتخار، آموزش هنر مدال به کودکان بی‌سرپرست به عنوان تنها کشور صاحب این کلاس‌های آموزشی است. اگر حمایت‌های استاد تناولی نبود، قطعاً این افتخار در تاریخ مدال هنری ایران ثبت نمی‌شد. درباره طرح آموزش به کودکان بی‌سرپرست، در حال نوشتن مقاله‌ای هستم که

**بهترین سن برای کشف استعداد در رشته هنری شما چه زمانی است؟**
هر چه از کودکی شروع شود بهتر است. کودکان معمولاً داغ‌غده‌ها و مشکلات بزرگسالی را ندارند و همچنین بسیار



می‌کنم شرایط این هنر در اصفهان خوب نیست؛ چراکه این شهر دارد به سمت صنعتی شدن می‌رود و از فضای هنرهای تجسمی دور شده است. اصفهان از نظر امکانات، اساتید، تکنیک‌ها و ایده‌پردازی چیزی کم ندارد؛ اما متأسفانه همچنان شرایط هنرهای تجسمی در این استان راضی‌کننده نیست.

**از تجربه همکاری خود با شهرداری اصفهان بگوئید.**
من از همان سال نود یکسری همکاری با شهرداری اصفهان داشتم و در این سال‌ها دوستان خوبی برای تداوم این ارتباط پیدا کردم. البته در این سال‌ها به دلیل برخی دلایل نتوانستم به اندازه‌ای که دوست داشتم با شهرداری همکاری کنم. با این حال در بحث تندیس‌ها و مفاهیم عمیق بین‌المللی که پشت تولید آن‌ها بوده توانستم همکاری خوبی با دوستان فعال در حوزه فرهنگ اصفهان چه در شهرداری و چه بخش‌های دیگر داشته باشم. برای مثال در سه دوره از جشنواره پوپک، برای ساخت مدال و تندیس این رویداد بین‌المللی فعالیت و مشارکت داشتم که دوستان بنده در شهرداری نیز استقبال خوبی از این آثار داشتند و این بهترین همکاری من با شهرداری اصفهان بوده است.

**هنرمندان و هنرجویان مجسمه‌سازی چه چالش‌هایی را در مسیر خود می‌بینند؟**

مجمه‌سازی یک رشته بسیار هزینه‌بر و پرجالش است. سختی کار این رشته بسیار بالاست و به علت درگیری هم‌زمان جسم و ذهن هنرمند، این هنرمی‌تواند عوارض زیادی را در آینده برای ایجاد هنرهای تجسمی و وجود اساتید بزرگ در این رشته، خیلی بیشتر از چیزی است که در حال حاضر وجود دارد. البته من برای بهتر شدن شرایط تصمیم گرفتم از خودم شروع کنم. با این‌وجود فکر

**هنرمندان و هنرجویان مجسمه‌سازی چه چالش‌هایی را در مسیر خود می‌بینند؟**

مجمه‌سازی یک رشته بسیار هزینه‌بر و پرجالش است. سختی کار این رشته بسیار بالاست و به علت درگیری هم‌زمان جسم و ذهن هنرمند، این هنرمی‌تواند عوارض زیادی را در آینده برای ایجاد هنرهای تجسمی، رشته مجسمه‌سازی بسیار وقت‌گیر، پرهزینه و سخت به‌شمار می‌رود؛ اما وقتی نتیجه تفکر هنرمند تبدیل به یک حجم می‌شود و به صورت اثر کاربردی در شهر، موزه، خانه و کلکسیون قرار می‌گیرد، تمام خستگی آن هنرمند برطرف می‌شود.

**توصیه شما به کسانی که می‌خواهند به این عرصه ورود کنند چیست؟**

هنرمندی که می‌خواهد در زمینه مجسمه‌سازی فعالیت کند، باید همواره در حال جست‌وجو در بین تکنیک، تئریال، مفهوم و فرم‌های جدید باشند. همه این نکات شبیه چهارچرخ ماشین است که باید هم‌زمان با یکدیگر ماشین را به حرکت دریاورند. به نظر من این چالش‌ها می‌تواند با تحقیق و پژوهش لذت‌بخش شوند. دلیل علاقه من به زمینه آموزش مجسمه‌سازی نیز این است که می‌خواهم خودم را همواره در حال تحقیق و یادگرفتن ببینم و همچنین مخالف این نظریه هستم که یک استاد نباید فوت کوزه‌گری خود را به دیگران بیاموزد.

## اصفهان زیبا

### هنر

### ا هنرهای نمایشی

### استقبال پرشور نصف‌جهان از یک نمایش



**گروه فرهنگ و هنر**

نمایش «رنگ و نیرنگ» به کارگردانی روح‌الله فهیمی تا ۳۱ مرداد در باغ نور اصفهان روی صحنه می‌رود. این نمایش در حالی به شب‌های پایانی اجرای خود نزدیک می‌شود که مردم اصفهان یکی از بهترین استقبال‌های ممکن را از این تئاتر به ثبت رساندند.

سوگواره «رنگ و نیرنگ» هر شب توسط مؤسسه فرهنگی «مهر تابان مهدوی» در باغ نور اصفهان اکران می‌شود و این در حالی است که با تصمیم عوامل این تئاتر آیینی، علاقه‌مندان توانسته‌اند به صورت رایگان به تماشای اجرای هنرمندان اصفهانی بپردازند. مراحل تولید این نمایش شامل تحقیق، مطالعه و نگارش متن تا انتخاب بازیگر، انجام تمرین، طراحی و ساخت دکور، نور، صوت و… نزدیک به شش ماه طول کشید.

این نمایش با محوریت قیام عاشورایی امام حسین (ع) و ایام محرم روی صحنه رفته است و بازیگران نام‌آشنایی در آن حضور دارند.

جالب است بدانید هنرمندانی همچون سید علیرضا بدری، اسدالله بابایی، اسماعیل زنگل‌گیاه، محمدرضا رفیعی، ابوالفضل شریفی، مهدی فرخانی، عبدالرسول زارع، محمد جواد تولایی، حجت دشتگرد، سید عباس فیضی، سید حجت باطنی، حامد پاک‌نهاد، محمدجواد جعفری، مهدی هدایت‌نژاد، امیرحسین هنرپرور و مبین یمانی در این نمایش به ایفای نقش پرداخته‌اند که هرکدام در تئاتر اصفهان چهره‌ای شناخته‌شده محسوب می‌شوند.

روح‌الله فهیمی هرساله در ایام فاطمیه، نیمه شعبان و عید غدیر نیز نمایش‌هایی به روی صحنه می‌برد که حال و هوای هر کدام با دیگری متفاوت است. گفتنی است امسال دفتر تخصصی هنرهای نمایشی، وابسته به سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان، به کمک بانیان خیر آمده و حمایت قابل‌توجهی از این نمایش به عمل آورده است.

فهیمی پس از تجربه‌های موفق گوناگون در عرصه تئاتر آیینی، این بار با نمایش «رنگ و نیرنگ» توانسته نظر مثبت مخاطبان تئاتر را به خود جلب کند. خبرنگار «اصفهان‌زیبا» به مصاحبه با این کارگردان هنرهای نمایشی پرداخته است.

**از تجربه کارگردانی با تعداد بالای بازیگر بگوئید.**

باید بگویم دوهم جمع‌کردن حدود ۵۰ هنرمند باسنین مختلف، نظرات و سلیاق گوناگون، تجربه و سطح توانمندی متفاوت، واقعا کار سخت و طاقت‌فرسایی محسوب می‌شود. باید بگویم یک نکته است که باعث به ثمر‌نشستن این پروژه سنگین می‌شود و آن هم اتحاد در عقیده و عشق به اهل بیت و معصومین علیهم‌السلام است. اگر این نیروی الهی نبود، اجرای چنین نمایشی باید زمان و هزینه بسیار هنگفتی را به عوامل آن متحمل می‌کرد و چه بسا هیچ‌گاه به نتیجه مطلوب نمی‌رسید.

**کارگردانی نمایشی که خودتان نوشته باشید، چه ویژگی‌هایی دارد؟**

خوشبختانه چون اول بازیگری را آموختم و سپس به یادگیری کارگردانی پرداختم، هرگاه می‌خواهم نمایشنامه‌ای جدید بنویسم، تمام طراحی‌های لازم را در ذهن خود انجام می‌دهم و شخصیت‌های نمایش را در فکر خود بازی می‌کنم و حتی لحن هر کدام از آن‌ها را می‌شنوم؛ این فرایند ذهنی کمک می‌کند تا نمایشنامه‌ام را در زمانی مناسب بنویسم. به همین خاطر، وقتی متن نمایشنامه‌ام آماده می‌شود، تقریباً ۷۰ درصد از مسیر تولید را رفته‌ام و فقط انتخاب درست عوامل و نکات دیگری می‌ماند تا نهایتاً بتوانم با تمرین مناسب، در رسیدن به آنچه در ذهن خود خلق کرده‌ام بکوشم.

**نظیر شما درباره تأثیر هنر نمایش در انتقال مفاهیم عاشورایی چیست؟**

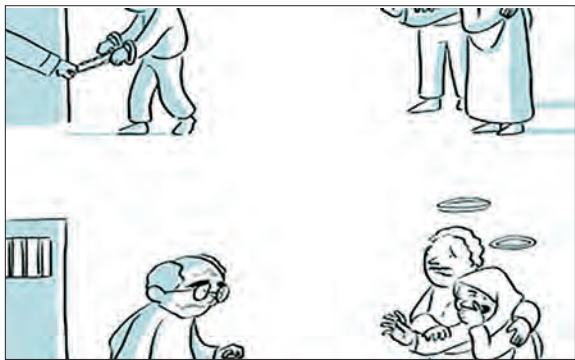
امروزه همه اندیشمندان جهان اذعان دارند که هنرهای نمایشی یکی از قوی‌ترین و مؤثرترین ابزارهای انتقال مفاهیم به مخاطبان است. قطعاً نمایش‌های آیینی نقش مهمی در انتقال مفاهیم عمیق مذهبی و الهی دارند و نمایش عاشورایی «رنگ و نیرنگ» نیز از این قاعده مستثنی نیست. این نمایش ضمن برانگیختن احساسات واقعی مخاطب خود و بالا بردن سطح آشنایی بیننده با سیره و سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام، مخاطبان و بینندگان خود را با وقایع تاریخی اسلام و تشیع آشنا کرده و به بسیاری از شبهات موجود در این باره پاسخی محکم و مستند ارائه می‌دهد.

**فکرمی‌کنید چرا همواره اجرای رنگ و نیرنگ برای مخاطبان خود تاگی دارد؟**

همان‌طور که شهادت امام حسین (ع) پس از گذشت قرن‌ها کهنه نشده و هر ساله با شروع ماه محرم خون تازه‌ای در دل شیعیان و آزادی‌خواهان جهان می‌جوشد، قسه‌های نمایش رنگ و نیرنگ نیز همیشه تازگی دارد. این وقایع مستند تاریخی که از دل تاریخ برای روشنگری و هدایت بشریت بیرون آمده، پر از حرف‌های تازه و شنیدنی برای حق‌جویان و حق‌پویان امروز جهان است. من فکر می‌کنم این نمایش همیشه حرف‌های تازه‌ای برای علاقه‌مندان به هنرهای نمایشی دارد. این نمایش با داستان برخورد یک فرد معاند با یکی از شیعیان شروع شده و در بین منظره آن‌ها، با برگشت به گذشته، فضایی از امیرالمؤمنین (ع) بیان می‌شود. مرد شیعه تلاش می‌کند با تبیین و روشنگری، مرد معاند را به سمت هدایت سوق دهد.

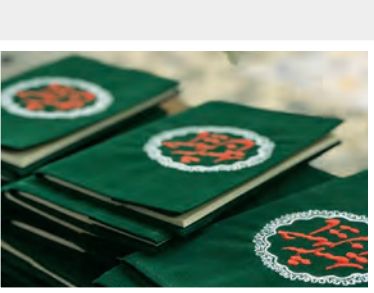


## ا هنر مقاومت





عزت‌سرای ماست عزاخانه شما



فاطمه جبب‌زاده دبیرصفحه کانون‌ها

دهه اول محرم که تمام می شود، انگار حال و هوایمان یک جوری می شود، حتی تا دهه دوم هم اوضاع نسبتا خوب است، اما هرچه بیشتر می‌گذرد، دلمان بیشتر تالطم پیدا می کند.

از یک طرف، دیگر زیاد روضه و هیئتی برپا نمی‌شود و از طرفی رنگ و بوی اربعین پررنگ‌تر می‌شود. این موقع هاست که تک‌وتوک روضه‌های خانگی عزیز می‌شوند. انگار نعمت که کم می‌شود، تازه ارزشش معلوم می‌شود.

روضه خانه شکوفه، از همان روضه‌های خانگی دهه سوم است. فکر می‌کنم چند سالی است که دعوت می‌شوم و من هر بار قسمتم نمی‌شود که مهمان روضه‌شان شوم. امسال امارق می‌کند. زمین‌وزمان را به هم می‌دوزم که هرطور شده دست‌کم چند دقیقه

ابتدایی مراسم را شرکت کنم.

از ترافیک خیابان جابر انصاری که می‌گذرم و نزدیک ساختمان‌شان می‌شوم، در خانه با است. از همان پایین بوی اسفند می‌آید.

به واحدشان که می‌رسم هنوز ابتدای زیارت عاشورا هستند و مهمان‌هایشان هم تکمیل نشده‌اند. روضه‌شان بیشتر خانوادگی است؛ ولی دوست و آشنا‌یشان هم کم نیستند. روی اولین میل خالی می‌نشینم. نگاهم کشیده می‌شود به میز روبه‌رویی‌ام. یک آب بسته بندی شده، از همین آب‌های معروف اربعین، داخل یک بشقاب گذاشته‌اند.

یک کتابچه زیارت عاشورا با جلد سبزرنگ مخمل و «یا حسین» قرمزرنگ هم در کنارش. به همراه گل مریم کوچکی که گلدانش استکان‌های کمر باریک چایی است. به گمانم آنکه زیارت عاشورا را می‌خواند، یکی از اقوامشان است.

موقی که تمام می‌شود، دعای فرج را می‌خواند و میکروفون را به تنها روحانی مجلس تحویل می‌دهد. این یکی را دیگر با اطمینان می‌دانم که از اقوامشان است. به گمانم عسوی مادرش.

سخنران که شروع می‌کند، از توکل به خدا می‌گوید. از تفاوت‌هایی که میان توکل و تنبلی است و مؤمن حقیقی میز باریک این دورا به خوبی می‌شناسد. در این حین پذیرایی میزبانان هم شروع می‌شود. البته میزبان می‌گوید، اطلاق یک صاحب خانه ندارد. به قول پدر شکوفه اینجا مجلس امام حسین(ع) است و متعلق به خودشان است.

با همین منطقه است که زن و مرد، هرکس به دلش افتاده، گوشه‌ای از کار را گرفته و چایی و شیرینی داناگرکی تعارف می‌کند.

سخنران همچنان از اعتماد به خداوند می‌گوید و جزو معدود روضه‌هایی است که جمعیت همه وجودشان گوش شده و صدا از کسی درمی‌آید. کمی به اطرافم بیشتر نگاه می‌کنم.

به پرچم‌های سیاه امام حسین که بیشتر دیوارهای خانه را پوشانده است. حتی ورودی آشپزخانه هم با پرچم پوشانده شده و برای هر بار ورود و خروج، دست‌خیزاران از زیر لولای «یا حسین» می‌گذرند. تعداد مهمان‌ها که بیشتر می‌شود، یک پتوی سفید گوشه‌ای از خانه پهن می‌شود و مردا خواسته از مرتبه میل نشینی، به زمین نشینی می‌رسم.

انگار حال‌اتازه روضه، روضه شده است. سخنران هم روضه خوانی‌اش را شروع کرده. چراغ‌ها را یکی یکی خاموش می‌کنند و او روایت خادته می‌کند. نه آن‌طور که به روضه‌باز معروف است و دنبال غش و غش و غش و عزاداران باشد. آهسته و پیوسته جمعیت را همراه می‌کند تا نوبت به مداح برسد. او هم نزدیک به پنج شش دقیقه مداحی را ادامه می‌دهد و بعد سینه‌زنی را شروع می‌کند. زن و مرد آهسته به سینه می‌زنند و گاه هم نوای مداح می‌خوانند.

ساعت که از ده و نیم شب می‌گذرد، دعاهای آخر مجلس را همگی آمین می‌گوییم. چراغ‌ها یکی یکی روشن می‌شود و تکاپو برای پذیرایی آخر مجلس بیشتر می‌شود. سفره‌های یک بار مصرف پهن می‌پیچند. بطری‌های دوغ را در سفره می‌گذارند و به هرکس دیس کوچکی از لوبیاپلو یا ته‌دیگ، کاسه‌ای سالاد سبزی‌ازی و چند پر سبزی ریحان تعارف می‌شود، در کنار نوای نوحه‌های عربی که رنگ و بوی اربعینی دارد. حالا که موقع صرف شام است، انگار مجلس بیشتر خانوادگی شده. برخی غریبه‌ترها زودتر خداحافظی می‌کنند و برخی دیگر به قول خودشان منتظرند تا چای آخری را هم بخورند. آن‌ها که عزم رفتن می‌کنند، هنگام خروج، رزق روضه‌شان، یک جامنمز سفید کوچک دست‌دوز دریافت می‌کنند و آن‌ها که هادیه‌های رنگارنگ می‌شوند. از زینب ۲ ساله تا نازنین زهرای ۱۶ ساله. صاحب‌خانه تک‌تک بچه‌ها را به اسم می‌خواند و از زحماتشان در برگزاری روضه تشکر می‌کند.

می‌گویند: هرچه کردید برای امام حسین (ع) بوده و آن‌شاه‌الله که خودشان مرد حقیقی‌تان را بدهند. جمع، صلواتش را بدرقه‌ها تا تک‌تک بچه‌ها می‌کند و یک نفر از گوشه مجلس به‌آرامی می‌گوید: «فرزندِی که از کودکی‌اش چنین پاکیز امام حسین‌شود، عاقبتش به خیر است.»

## مهمفان زیبا

### کانون‌ها

سید علی حسینی



مریم نقیان

خیرنگار

جایگاه بی‌بدیل مجالس روضه و عزاداری در زنده نگهداشتن یاد و خاطره قیام خونین کربلا وسیدالشهدا(ع) برهیچ‌کس پوشیده نیست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) دراین رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»

جامعه بزرگ شیعی نیز با تأسی به نهضت حیات‌بخش کربلا، هیچ‌گاه از تکاپو نایستاده و علی‌رغم فرازوفرودها، سعی خود را برای ادامه و استمرار قیام حسینی(ع) به‌کار گرفته است. مجالس عزاداری و روضه امام حسین (ع)، فرصتی مناسب برای زنده داشت یاد قیام حسینی(ع) و تجدید بیعت باسید و سالار شهیدان و پیشوای آزادی‌خواهان جهان است.

بله عزاداری امام حسین (ع) آثار، فواید و کارکردهای بسیار مهمی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشته است. مهم‌ترین کارکردها و آثار عزاداری و گریه برای امام حسین (ع) عبارت‌اند از: زنده نگاه‌داشتن نهضت عاشوراو پیام‌های آن، معرفی الگوهای راستین و ایجاد پیوند عمیق عاطفی با آنان،تعلیم معارف دینی، ایجاد معنویت در جامعه و آرامش‌روخی وروائی.

حالاتصورکنید این بار خرق عادت شده و این روضه‌های ارزشمند در خیابان برگزار شده است. نمی‌دانم نام روضه خیابانی

به گوشتان خورده است یا نه؟ اصلا به تماشای یک روضه خیابانی نشسته‌اید یا نه؟ من که برای داشتن اطلاعاتی از این

روضه‌ها در اینترنت جست و جو کردم تا

شاید بتوانم یک خط مطلب درباره آن بخوانم؛ اما موفق نشدم مطلبی پیداکنم و تنهاچند عکس تصصیم شد.

#### \* روضه‌ای که به خیابان آمد

امسال به یک روضه خیابانی در چهارراه لاهور که در همین دهه سوم محرم برگزار شد برخورد کردم. دراین روضه همه روی محدوده‌های قرمز و سفیدرنگ می‌نشینند.فرقی نمی‌کندتوانایی نشستن روی زمین را داشته باشی یا نه؛ چراکه فرشی پهن شده وهمه باید همچون یک سالن همایش، کفش را پاروی صندلی بنشینند. اما اینجا با سالن همایش هم فرق می‌کند؛ چراکه دیواری کشیده نشده است. هم شما که در موبک نشسته‌اید از برنامه استفاده می‌کنید هم کسانی که با موتور، دوچرخه و ماشین در حال عبور هستند از روضه بهره می‌برند. البته تقابتی

میان آن کسانی که در حال عبور هستند و کسانی که پشت چراغ‌فرمان ایستاده‌اند وجود دارد؛ آن تفاوت این است که کسانی که پشت چراغ به انتظار تغییررنگ قرمز به سبز چندثانیه‌ای منتظر می‌مانند فرصت بیشتری برای شنیدن نام حسین (ع) پیدا خواهند کرد. دوتورادور موبک را

داربست‌های همچون حصارکی که باغچه راست‌ازمن‌سایر باغ‌ها جدا کرده قرارگرفته است تا مزمان شروع چای از مراسم استفاده سمت راست موبک همچون ایستگاه‌های صلواتی چای نبات و دم‌نوش لیموتوسط چهار نفر ریخته می‌شد و برخی از مردم فقط تا زمان صرف چای از مراسم استفاده می‌کردند. در ایستگاه صلواتی کنار موبک دلولوست سمت راست و چپ آویزان شده بود. آب لیموهای دم‌نوش را هر شب

خانم‌ها در پشت پرده می‌گیرند تا تازه باشد و عطر لیمو در قوری چای پیچند. چای ریزان هر شب ثابت هستند و فقط دو نفر به صورت متغیر که علاقه دارند در مجلس امام حسین (ع) خدمتی انجام داده باشند به کمک چای ریزان می‌آیند. چای ریزه‌ها در لیوان‌های چای‌سبزیکی می‌ریزند تا استفاده از مصارف پلاستیکی کم‌ترشود و آسیب‌کمتری به محیط‌زیست وارد شود. پشت پرده دو خادم به صورت مرتب لیوان‌های شیشه‌ای دسته‌دار را می‌شویند. هر شب قبل از شروع مراسم مداحی و کلیپ مراسم شب قبل نمایش داده می‌شود تا ره‌گذران و افرادی که هرسال در این روضه خیابانی شرکت می‌کنند از شروع مراسم باخبر شوند و

در موبک گرد یکدیگر جمع شوند. اکثر شب‌ها ده دقیقه به شروع مراسم ده صندلی پر می‌شود. دخترخانم‌چوانی با مان‌تو بلد مشک‌ی رنگ هر شب همچون روضه‌های داخل مساجد سبب چای را از چای ریزان تحویل می‌گیرد و شروع می‌کند به تعارف‌کردن از ردیف اولی که خانم‌ها نشسته‌اند. سپس گروه سرودی برای خواندن سرودی مذهبی در جلوی



جایگاه بی‌بدیل مجالس روضه و عزاداری در زنده نگهداشتن یاد و خاطره قیام خونین کربلا وسیدالشهدا(ع) برهیچ‌کس پوشیده نیست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) دراین رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»

<span><span></span></span>	<span>سال<span> </span>بیستم<span> </span>•<span> </span>شماره<span> </span>۴۸۹۲<span> </span>•<span> </span>شنبه<span> </span>•<span> </span>۲۰ مرداد ۱۴۰۳</span>	<span><span></span></span>
<p>جایگاه بی‌بدیل مجالس روضه و عزاداری در زنده نگهداشتن یاد و خاطره قیام خونین کربلا وسیدالشهدا(ع) برهیچ‌کس پوشیده نیست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) دراین رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»</p>		



# ایستگاه صلواتی یا روضه خیابانی؟

### موبکی که هر رهگذری را به یاد حسین (ع) می‌اندازد

#### \* حضور اقشار مختلف مردم

**به دلیل تمایز با سایر روضه‌ها**

من که از فضای متفاوت روضه خوشم آمده بود، برای اینکه نظر مردم را هم در رابطه با روضه بدانم چندین مرتبه مکان نشستم روی صندلی‌ها را عوض کردم تا از حاضران در مجلس سؤالاتی را که در ذهن داشتم بپرسم. خانم مستی که مسئولان وجود دارد کنترل عموم مردم کار سخت‌تری است؛ چراکه سابق سخنران خوب برنامه‌گه که باعث شده بود هرشب در مجلس شرکت کند.

خانمی با مانتو سورمه‌ای که همراه با مادرش در ردیف آخر نشسته بود، با لیخند از ماجرای آمدنش به موبک برای من گفت؛ زمانی که از این خیابان رد می‌شدم دخترم برگه غرفه کودکان و نوجوانان را دید و از ما درخواست کرد او را به موبک بیاوریم. از زمانی که در غرفه کودکان و نوجوانان شرکت کرده است، هر روز از ما می‌خواهد تا شب او را به موبک بیاوریم و من اکنون به‌خاطر دخترم اینجا حضور دارم.

خانم جوانی تنها در یک‌گوشه نشسته بود. از او که خواستم علت حضورش در این روضه خیابانی را بیان کند دردلش باز شد. می‌گفت: من به دو دلیل شرکت در این روضه را دوست دارم. اول اینکه هر فضای باز برگزار می‌شود، دوم مراسم پدر و مادرشان به دنبال فرزندشان می‌آمدند. اینجا نه تنها افراد بزرگ مهم‌اند و از برنامه‌های مذهبی در دهه سوم محرم بهره می‌برند، بلکه کودکان و نوجوانان هم از رزشمند شده می‌شوند و همچون بزرگ‌ترها از آموزش مفاهیم دینی و آشنایی با سیره اهل بیت (ع) در روضه استفاده می‌کنند.

#### \* جایگاه وال‌تر کودکان و نوجوانان در روضه

نظرات خوب مردم نسبت به سخنران مراسم سبب شد تا به دنبال فرصتی برای عروجی نسبت به برگزاری یک روضه خیابانی آگاه شوم.

این مراسم برای قشر مذهبی وغیرمذهبی فعالیت می‌کند و تنها قشر مذهبی شرکت نمی‌کند. من هم تلاش می‌کنم مطلب را به‌صورتی تنظیم کنم که تمام اقشار مردم با هر عقاید و سلیقه‌ای که دارند، بتوانند از مطالب استفاده کنند و مطالب بیان شده برای آن‌ها جذاب باشد.

او در ادامه صحبت‌هایش از کار زیبا و فرهنگی که انجام دادند گفت؛ حتی کودکان و نوجوانان نیز می‌توانند در این موبک فعالیت کنند. قسمتی از موبک را برای کودکان و نوجوانان قرار داده‌اند که شرکت‌کنندگان می‌توانند در آن شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند.

کودکان و نوجوانان نیز می‌توانند در این موبک فعالیت کنند. قسمتی از موبک را برای کودکان و نوجوانان قرار داده‌اند که شرکت‌کنندگان می‌توانند در آن شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند. در این برنامه که مخاطب از کودکان و نوجوانان است، در زمان خاصی شرکت کنند.

<span><span></span></span>	<span>جایگاه بی‌بدیل مجالس روضه و عزاداری در زنده نگهداشتن یاد و خاطره قیام خونین کربلا وسیدالشهدا(ع) برهیچ‌کس پوشیده نیست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) دراین رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»</span>	<span><span></span></span>
<p>جایگاه بی‌بدیل مجالس روضه و عزاداری در زنده نگهداشتن یاد و خاطره قیام خونین کربلا وسیدالشهدا(ع) برهیچ‌کس پوشیده نیست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) دراین رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»</p>		

<span><span></span></span>	<span>سال<span> </span>بیستم<span> </span>•<span> </span>شماره<span> </span>۴۸۹۲<span> </span>•<span> </span>شنبه<span> </span>•<span> </span>۲۰ مرداد ۱۴۰۳</span>	<span><span></span></span>
<p>جایگاه بی‌بدیل مجالس روضه و عزاداری در زنده نگهداشتن یاد و خاطره قیام خونین کربلا وسیدالشهدا(ع) برهیچ‌کس پوشیده نیست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) دراین رابطه می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»</p>		

#### \* نفاقت نیاز به دقت دارد

از موبک بیرون آمدم تا بفهمم آیا همان‌گونه که مخاطبان روضه از شرکت در چنین برنامه‌ای احساس رضایت و خشنودی می‌کنند، مغازه‌های اطراف موبک در خیابان هم مشکلی دارند یا نه؟ پای حرف‌های مسفازه‌داران که می‌نشینیم، تعدادی از آن‌ها مشکلی با وجود موبک ندانند؛ اما تعدادی نسبت به ترافیک ایجاد شده و نبود جای پارک برای خودروهای خود متعترض بودند. یکی از مغازه‌داران نیز نسبت به آدم‌هایی که ظروف غذای نذری خود را در جلوی در مغازه ریخته بودند متعترض بود؛ چرا که او مجبور شده بود هر روز قبل از باز کردن مغازه به جمع‌کردن زباله‌های دیگران مشغول شود.

#### \* راهنمایی از بزرگان ایجادکننده موفقیت در هیئت

دوباره به موبک بازگشتم و این بار برای اطلاع بیشتر از روند فعالیت‌های هیئت احباب‌الحسین (ع) و پاسخ‌دادن به سؤالاتی که هنوز جوابی برای آن‌ها پیدا نکرده بودم تصمیم گرفتم با یکی از مسئولان هیئت صحبت کنم. بالاخره موفق شدم با حامد قربانی یکی از مسئولان هیئت به‌گفت‌وگو پردازم.

او در ابتدای گفت‌وگویی که داشتم، از نحوه تشکیل هیئت صحبت کرد؛ حدود ۱۲ سال است که هیئت احباب‌الحسین (ع) را تأسیس کردیم. در سال‌های ابتدایی هر هفته برنامه داشتیم و تعداد نفرات بیشتر بود. به مرور زمان تعداد نفرات هیئت و همکاری اعضا کم شد و تصمیم گرفتم برنامه‌های هفتگی را برگزار نکنیم. از ابتدای تأسیس هیئت احباب‌الحسین (ع) در دهه سوم محرم موبک به‌صورت مداوم تا امروز برگزار شده است.

از قربانی سؤال کردم با چه هدفی روضه خیابانی برگزار کردید و او پاسخ داد: در سال‌های ابتدایی در موبک صرفا پذیرایی می‌کردیم. پنج سال است در چهارراه لاهور مراسم به‌صورت روضه برگزار می‌شود. هدف ما این بود که روضه‌هایی که در مساجد، حسینیه‌ها، منازل و… برگزار می‌شود را در سطح خیابان برگزار کنیم؛ چراکه افراد مذهبی به مکان‌هایی همچون مساجد، حسینیه‌ها و… برای شنیدن روضه در مراسم مذهبی مختلف مراجعه می‌کنند. اما هدف ما قشری است که در ایام شهادت اهل بیت (ع) به این مکان‌ها مراجعه نمی‌کنند. تلاش کردیم با حضور در خیابان این اقشار را جذب کنیم. در محرم با برگزاری مراسم داشته‌باشند.

او در انتهای گفت‌وگویی که داشتم از مسئولان درخواست‌واز مردم خواهش داشت و بیان کرد: درخواست می‌کنم مسئولان زمانی که شاهد فعالیت‌های مردمی برای اهل بیت (ع) هستند و گروهی را می‌بینند که دغدغه‌کار فرهنگی دارند، به آن‌ها کمک کنند؛ چراکه این افراد برای مردم کار می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

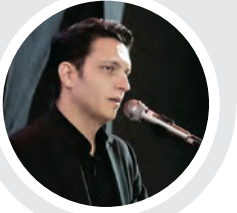
از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.



مجید عروچی

#### از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

از مردم هم خواهش می‌کنم دستشان را از دست اهل بیت (ع) جدا نکنند. ما از بدو تولد خاک تربت را در دهانمان قرار دادند و با اهل بیت (ع) تا آخر عمر کار داریم. نباید امام حسین (ع) را نادیده گرفت؛ چراکه عشق به اهل بیت(ع) می‌کنند.

# اسمم را گذاشته بودند تاملعلی!

پرسه در خاطرات دور و نزدیک محمدعلی شاه‌علی



می‌کرد این انشا برادرم که معلم بود برابرم نوشته است؛ اما من اصرار می‌کردم خودم نوشته‌ام و دست آخر هم به او گفتم یک موضوع به من پیشنهاد بدهد که درباره آن بنویسم و در کلاس بخوانم. استاد از من خواست مطلبی درباره مادر بنویسم که بعد از خواندن در کلاس، مورد توجه قرار گرفت و استاد زنتاب به من اطلاع داد روزنامه اطلاعات مشغول جذب خبرنگار است و از من خواست برای این کار مراجعه کنم. زمانی که برای خبرنگاری به روزنامه اطلاعات مراجعه کردم، از من خواستند گزارشی درباره سطح شهر بنویسم که من هم درباره موضوع تصفیه خانه فاضلاب خیابان حکیم شفايي دوم نوشتم که گزارشی آماتوری بود؛ اما در روزنامه اطلاعات منتشر شد و بعد‌ها با این روزنامه همکاری کردم و هم‌زمان در بخش توزیع هم فعالیت داشتم که این روند تا ۲۴ شهریور سال ۵۸ ادامه داشت و با توجه به پیشنهاد مالی بهتر روزنامه کیهان، به این رسانه نقل مکان کردم.

#### \* پوشش خبری دربی

**اصفهان‌ی‌ها در لیگ تخت جمشید** اولین تجربه جدی خبرنگاری من به اواخر دوره لیگ تخت جمشید بازمی‌گردد که برای مجله‌های کیهان ورزشی و دنیای ورزش می‌نوشتم، بازی سپاهان و ذوب‌آهن که یک‌بریک شد از آن جمله بود. در این دیدار تیم سپاهان یک بر صفر جلو بود و تیم ذوب‌آهن توانست از زوی نقطه پنالتی، گل مساوی را به ثمر برساند که من عکس صحنه‌ای که کربکندی واحمدزاده، دروازه‌بان و مدافع تیم ذوب‌آهن هم دیگر را بغل کرده بودند، برای گزارش بازی چاپ کردم.

#### \* دردسره‌ای خبرنگاری در سال‌های دور

در دهه شصت بیشتر فعالیت من در عرصه دفاع مقدس بود و روزی بیست‌سی ساعت خبر در این حوزه می‌نوشتم. البته در حوزه‌های مختلف می‌نوشتم و به دلیل علاقه‌ام به ورزش، در این حوزه هم فعالیت داشتم و به شهرستان‌های مختلف سفر می‌کردم و از مشکلات آن‌ها گزارش تهیه می‌کردم.



مهری مصور

دبیر گروه ورزش

❁ **بیشتر خبرنگاران ورزشی اصفهان در نشست‌های خبری، این جمله معروف «ترک موتور علی‌ضار رحیمی می‌نشستم و...» را در بخشی از خاطرات محمدعلی شاه‌علی از فعالیت خبرنگاری او در دهه شصت شنیده‌اند؛ خبرنگاری که نیم‌قرون از فعالیت او در این عرصه سپری می‌شود و در دوره‌ای یکی از معدود خبرنگاران ورزشی نویس تصف‌جهان بود. روز خبرنگار بهانه‌ای شد تا پای خاطرات دور و نزدیک شاه‌علی بنشینیم و با او یاد گذشته رازنده کنیم. ❁**

#### \* انشایی که مقدمه خبرنگاری شد

سال ۵۳ و ارد عرصه مطبوعات ورزشی شدم، در آن زمان مجصل هنرستان بودم و استاد حسنعلی زنتاب، از پیشگامان انقلاب اسلامی، معلم دینی و ادبیات ما بود. یک‌بار انشایی با موضوع اجتماع من که نوشته بودم را در کلاس خواندم که معلم تصور

**مطلبی که در ببحوجه انقلاب و به شهادت رسیدن چند نفر از مردم در اطراف منزل آیت‌الله خادمی با عنوان «اصفهان؛ شبی که هرگز نخفت» نوشتم در ذهنم ماندگار شده است**



تیم ملی باشند؛ به همین دلیل حمایت زیادی از او داشتم و لقب پنجه طلایی را هم من برای عابدزاده به کار بردم. در یک دیدار که عابدزاده درون دروازه تیم تام بود، سه گل خورد؛ اما من نام او را به عنوان دروازه‌بان تیم در گزارش عنوان نکردم.

وقتی مطلب منتشر شد، متوجه شدم مسئولان روزنامه جمله‌ای اضافه کرده‌اند که عابدزاده درون دروازه بوده که این موضوع را پیگیری کردم و در نهایت روزنامه یک توضیح بر جمله قبلی خود نوشت.

#### \* تیتری که محمود یآوری پسندید

پس از سال‌ها که تیم تام قهرمان باشگاه‌های اصفهان می‌شد، تیم سپاهان با مربیگری مرحوم محمود یآوری و به‌کارگرفتن تعدادی از بازیکنان خاص، تیم خوبی را ارائه می‌ان که بود و در بازی آخر لیگ با تفاضل گل بهتر نسبت به تیم تام قهرمان شد. پس از قطعی‌شدن قهرمانی این تیم، یآوری با شتاب وارد جایگاه ویژه شد و جلوی همه به من گفت: «حالا چه تیتری می‌زنی؟» بلافاصله در جواب گفتم تیتیر می‌زنم؛ «وقتی تام دوم شد، سپاهان قهرمان شد.» اتفاقاً همین تیتیر منتشر شد و یک نسخه از مجله را برای آقای یآوری بردم و وقتی تیتیر را دید، گفت خوشم آمد که روی حرفت ماندی.

#### \* گزارش‌های تأثیرگذار

در طول سال‌های کاری مطالب بی‌شماری نوشته‌ام که تعدادش در خاطر من نیست؛ اما برخی از آن‌ها در ذهنم ماندگار شده است، مانند مطلبی که در ببحوجه انقلاب و به شهادت رسیدن چند نفر از مردم در اطراف منزل آیت‌الله خادمی با عنوان «اصفهان؛ شبی که هرگز نخفت» نوشتم و دفاع از خون شهدا، باعث شد به خواب معنوی برسم. گزارش دیگری هم برای کمبود دستگاه دیالیز در اصفهان نوشتم که مورد توجه قرار گرفت و باعث شد تا خیран و مسئولان بهداشت دستگاه‌های بیشتری تهیه کنند. همچنین مطلبی با عنوان «هرند در ۸۰ کیلومتری رایند رود از تشنگی می‌میرد» منتشر کردم.

زخم زدنند و کاپوت ماشین مرا شکستند. قبل از من، استاد توصیفیان خبرنگار کیهان ورزشی بود. در مقطعی رحیم جدی، داویر اوبن المللی کشتی که در اصفهان سکونت داشت، برای این مجله می‌نوشت. بعد از من هم رسول کربکندی یک ماه خبرنگار دنیای ورزش شد؛ اما انصاف داد و جواد خلیفه سلطانی جای او را گرفت.

**\* نتیجه‌مطلب زیاد درباره تیم تام** در دهه ۶۰ تا ۷۰، تیم تام که مرحوم اعلائی و اسلامی آن را راه‌اندازی کرده بودند، با سرمایه‌گذاری خوبی که داشت، بازیکنان خوبی را به خدمت گرفته بود و بازیکنانی چون علی شجاعی، رضا تاج و عباس سیمکانی برای این تیم بازی می‌کردند و این تیم حدود یک دهه قهرمان بلامنازع فوتبال استان بود. معمولاً درباره تیمی که خوب نتیجه می‌گیرد و صدرنشین است، زیاد مطلب می‌نویسند و عکس‌های بیشتری چاپ می‌شوند و به دلیل مطالب زیادی که

#### \* حذف عمدی دروازه‌بان از بازی!

حضور عابدزاده در تیم ملی به عنوان یک دروازه‌بان شهرستانی، برای رسانه‌های تهرانی قابل قبول نبود و تمایل داشتند دروازه‌بان‌های تیم‌های تهرانی سنگریان

## پدر به روایت پسر

یادی از مرحوم عباس افشاری، کهن‌کسوت خبرنگاری اصفهان



باغ تختی به‌تسهلی در بین تماشاگران اصفهانی می‌نشستم تا پدر بتوانند در اتاقک خبرنگاری و کوچک ضلع غربی استادبوم در کنار بقیه همکارانش تازه از تهران خبرمی‌رسید که صفحات به‌صورت نصفه‌نیمه دریافت شده و باید ما در یواره به استادبوم برمی‌گشتیم تا مجدد صفحات را ارسال کنیم. در زمانی که پدر مشغول نوشتن بود، من تلفنچی استادبوم تختی بودم و پاسخ‌هوادارانی را که برای اطلاع از نتیجه مسابقه تیم محبوبشان با ذوق و شوق تماس می‌گرفتند می‌دادم؛ حتی گاهی اوقات برای هیجان بیشتر دقایقی از مسابقه و نحوه به ثمر رسیدن گل‌ها را هم برایشان توضیح می‌دادم تا به نوعی کار خبری

دورقمی هم نبود، تلاشی مضاعف برای پوشش خبری این رقابت‌ها داشته باشدم. ۲۳ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۷۲ بود که هفته‌نامه ایرار ورزشی تبدیل به روزنامه شد و این جهشی بلند در حوزه روزنامه‌نگاری ورزشی ایران بود. ایرار ورزشی به عنوان اولین روزنامه تخصصی ورزش ایران، در شرایطی پایه عرصه خبر گذاشت که تا قبل از آن چنین تجربه‌ای وجود نداشت و به همین خاطر ایرار ورزشی از همان روزها به عنوان یک مرجع و منبع علاقه‌مندان به فوتبال جای خودش را باز کرد.

یادم می‌آید به عنوان یک نوجوان ۱۴ساله به همراه پدر به استادبوم تختی می‌رفتم و روی سگ‌های داغ

تلفنی به‌تحریریه روزنامه خراسان برساند. پدر تعریف می‌کرد که با وجود همه این سختی‌های زمانی که می‌دیدم نامم در انتهای گزارش مسابقه منتشر شده‌است، همه سختی‌ها را فراموش می‌کردم و برای مسابقه بعدی تلاش می‌کردم تا دوباره همین مسیر را طی کنم.

دهه هفتاد مسابقات جام آزادگان با حضور سه تیم اصفهانی سیمان سپاهان، ذوب‌آهن و پلی‌اکریل در اصفهان برگزار می‌شد و از طرف دیگر، تورنمنت جام نقش جهان که به نوعی اعتبار فوتبال اصفهان هم بود، میزبان نمایندگانی از خارج کشور بود و همین موضوع می‌طلبید که خبرنگاران ورزشی فعال در ورزش اصفهان که تعدادشان



مسعود افشاری

خبرنگار

اجرای مرحوم بهرام شفیع با پیشش تصاویری کیفیت و بیات شده فوتبال ایران، بخشی از وظیفه اطلاع‌رسانی را بر عهده داشت.

آن روزها پدر به عنوان خبرنگار هفته‌نامه «ایرار ورزشی» در استان اصفهان مشغول به فعالیت بود و به واسطه آشنایی قبلی با استادیوم حوزه خبر مثل ادر شیراز لودی سعی می‌کرد اخبار و اطلاعات ورزش اصفهان و به خصوص فوتبال را برای چاپ در ایرار ورزشی به تهران ارسال کند. پدر برابرم تعریف کرده بود که در اواسط دهه پنجاه که به عنوان دانشجوی رشته ریاضی در دانشگاه فردوسی مشهد حضور داشته استارت همکاری با روزنامه خراسان را زده و در طول هفته با جمع‌کردن سکه‌های دوریالی و پنج‌ریالی تلاش می‌کرده تا بعد از انجام مسابقات فوتبال جام تخت جمشید در شهر مشهد، بتواند با استفاده از تلفن‌های سکه‌ای کیوسکی گزارش‌اش را مسابقه را به صورت



زاد همان اتاقک کوچک جنب سالن ۱۷ شهریور آغاز کنم. همین اتفاقات و کمبود امکانات باعث می‌شد برنامه‌ریزی

برای تماشا و گزارش یک مسابقه احتیاج به زمانی چندساعته داشته باشد و خبرنگاران بعد از ارسال اخبار، به عنوان آخرین افراد از استادبوم خارج می‌شدند. این صحبت‌ها شاید برای نسل امروزی که همه‌کوشی‌های هوشمند در اختیار دارند و در میان‌ران اطلاعاتی زندگی می‌کنند آنچنان قابل درک نباشد؛ ولی آن‌هایی که روزنامه‌نگاری دهه شصت و هفتاد و سختی کار را به چشم دیده‌اند حتماً تأیید خواهند کرد که پایه‌های روزنامه‌نگاری نوین در همان سال‌ها گذاشته شد.

کم‌کم استادبوم‌های تختی و ۲۳ بهمن از بورس خارج شد و ورزشگاه فولادشهر جای خودش را در فوتبال اصفهان باز کرد. البته استادبوم نیمه‌کاره نقش جهان هم شاهد اولین قهرمانی‌های سپاهان در

حوزه ایفا کند.

توانست آلبوم خاطرات فوتبال اصفهان را تکمیل کند.

امروز شاید نزدیک به ۲۰۰ نفر خبرنگار، عکاس و تصویربردار هرکدام به نوعی در بحث پوشش خبری مسابقات ورزشی اصفهان فعالیت می‌کنند که همگی فعالان مستعد و آینده‌داری هم هستند؛ اما امروزه به خاطر وجود امکانات فراوان، سرعت نقش اول را در حوزه اطلاع‌رسانی بر عهده دارد و دیگر خبر آن چنانی از روزنامه‌های کاغذی هم نیست و فقط رسانه‌های برخط و آنلاین در کنار نرم‌افزارهای مجازی عطش فوتبالی‌ها را سیراب می‌کنند؛ اما بدون شک برای قدیمی‌ترهای حوزه رسانه همچنان بوی سرب و کاغذ بگ روزنامه پر از خاطرات و گام‌هایی است که برای سال‌های طولانی طی شده تا امروز روزنامه‌نگاری حرفه‌ای همراه با موبایل بتواند نقش اول را در این حوزه ایفا کند.

<span><span></span></span>
<div><div><span><span></span></span></div><div><span>نقیسه حاجاتی</span></div></div> <div>دبیرگروه میراث و گردشگری</div>

۲۰ سال از روزی که برای اولین بار کارت « خبرنگاری » دریافت کردم، گذشته است! الان که این جمله را می‌نویسم فکرمی‌کنم قبلاًدر ذهنم۲۰سال این همه کوتاه نبودو حتماًریگی در کفش محاسبات زمانی هست که باید بنویسم ۱۸ سال قبل در چنین روزی من تازه‌کار، دعوت شده به جشن بزرگی که هفته‌نامه آصفهان زیبا برای روز خبرنگارترتیب داده بود.درحالی‌که فقط یک ماه بوددر آن خانه قدیمی جذاب خیابان کمال اسماعیل و برای سرویس جوان گزارش‌نویشتن راضوع کرده بودم.

مگر می‌شودمن که آن روزها هر متن منتشرشده‌ام را باذوق در ویلاگیم بازنگاری می‌کردم و تعداد گزارش‌هاومصاحبه‌ها و خبرهای منتشرشده‌ام را می‌شمردم، در شلوغی‌های زندگی حالاتحتی یادم نیاید دقیقاًچند هزار متن و عکس و ویدئو در رسانه‌ها و در همین صفحه گردشگری و میراث خودمان منتشر کرده‌ام؟! حالا هر بار که دعوت می‌شوم خبرنگارم برای جوانان دهه هفتاد و هشتادوی و نوجوانان دهه نودی صحبت یا تدریس کنم، به خودم می‌گویم من که هنوز در ذهنم همان توجوان عشق خبرنگاری‌ام که زمین و زمان را به هم می‌دوخت، در رویداد‌های مختلف شرکت می‌کرد، مصاحبه‌های فارسی و انگلیسی انجام می‌داد، شب‌هایی خوابی‌به سرش می‌زد؛ چون مغزش داشت از یک ایده برای نوشتن منقصر می‌شد و مجبور بود چراغ را روشن کند، بنشیند پای لپ‌تاپ، بنویسد و بعد نفس راحتی بکشد و بپخواند!

من که هنوز مثل روز اول از دیدن اسمم در روزنامه قند توی دلم آب می‌شود، هزار بار نوشته‌هایم را قبل و بعد از چاپ می‌خوانم و به خودم می‌گویم چه خوب شد « خبرنگار» شدم، چه خوب که « روزنامه نگار» شدم، دارم این متن را می‌نویسم که تلفظم زنگ می‌خورد، خبرنگار جوان ایستاست که می‌گوید می‌خواهد برای روز خبرنگار با هم گفت‌وگو کنیم. سؤال‌ها را یکی یکی می‌پرسد و

من با هر پرسشی غوغا ور می‌شوم در اقیانوس قشنگ دوده‌های ام. می‌پرسد و تعریف می‌کنم که خبرنگار خوب، بلد است گوش بدهد، تجزیه و تحلیل کند، دایره واژگان گسترده‌ای دارد، تخصصی را برای خودش انتخاب کرده، دانش آن حوزه را علاوه بر دانش روزنامه‌نگاری به دست آورده و به مرور هم به کارشناس متخصص و متمدنی

## صفحه‌ان زیبا

◄ **میراث و گردشگری** ►

## موهبت خبرنگار میراث و گردشگری بودن

شمع ده‌سالگی سرویس گردشگری روشن است



در حوزه خبری‌اش تبدیل می‌شود، می‌داند چطور باید پرسش درست را به روش درست در جای درست پرسید، و دیدن و جست‌وجو را بلد است، دغدغه دارد، جان کلام روایتگری را می‌داند. دیکته‌نویس نیست و از همه مهم‌تر اینکه « خبر » را محور می‌داند، نه دیده شدن خودش را! مکالمه مان تمام می‌شود. تلفن را قطع می‌کنم؛ اما مصاحبه هنوز در ذهنم در جریان است. حرف‌های مگویی بوده که نگفتم. حرف‌هایی هست که باید می‌گفتم، همیشه همین‌طور است! جملات او برپا فالایی، لری کینگ، یونس شکرخواه، فریدون عموزاده خیلی، فریدون صدیقی، امیرقلی امینی و هزارویک روزنامه‌نگار ایرانی می‌شوند.

به پیامکی که از طرف «اصفهان زیبا» آمده است، نگاه می‌کنم: « روزنامه به مناسبت روز خبرنگار به صورت ۱۰۰ درصد تولیدی منتشر خواهد شد؛ لذا خواهشمند است برای چاپ این روز علاوه بر گزارش محوری برای همه اجزای صفحه‌آبادداشت‌ها و گزارش‌های تولیدی جدید استفاده و سوزده اصلی صفحه‌را هم از یک هفته قبل اعلام کنید.»

سوزده‌های مختلفی داریم؛ اما چه موضوعی بهتر از خود ما؟! «سرویس میراث و گردشگری روزنامه آصفهان زیبا» هم از شمع ده‌سالگی‌اش را روشن کرده و حالا بر از تجربه‌های ارزشمند است؛ به قدر یک کتاب قطور. اسفند ۱۳۹۲ در ذهنم پررنگ است؛ چون اولین شماره نشریه دوازده صفحه‌ای گردشگر را منتشر کردیم و دو صفحه هفتگی را با عنوان گردشگری و میراث در روزنامه راه انداختیم. نشریه کوچکم جدی تر و به کتاب مجله‌ای

قطور و پرخواهان به نام «گردشگر مثبت» تبدیل شد؛ همان‌طور که سرویس میراث و گردشگری هم رسماًبه عنوان گروهی مستقل و جدا از سرویس‌های اجتماعی و فرهنگ در حوالی‌های ۱۳۹۴ ی‌گرفت و «اصفهان زیبا» را در زمره معدود رسانه‌های کشور قرار داد که سرویس مستقلی دارند برای پوشش اخبار حوزه‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری، معماری، مرمت، باستان‌شناسی، تاریخ و ایران‌شناسی. انتشار هفت صفحه در هفته و یک کتاب مجله ۲۰۰ تا ۳۰۰ صفحه‌ای، سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ را به رأس سهمی زیستی سرویس تبدیل کرد. کاغذ و چاپ گران و نایاب شد و ما کم‌رنگ شدیم؛ اما ماندیم. کرونا آمد و گردشگری تعطیل شد؛ اما ما ادامه دادیم و از گردشگری ایمن در کروناصحبت کردیم و گزارش‌هایی برای نجات میراث مظلوم آصفهان نوشتیم. خلاصه رسیدیم به ۱۴۰۱ که ویژه بود؛ چون دبیر سرویس

میراث و گردشگری دیدبانی شد در سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان، سازمانی که متولی و کانون فعالیت‌ها در بافت تاریخی شهر است. این اتفاق، مرحله دیگری از روزنامه‌نگاری میراثی را رقم زد و در تقویت جایگاه حرفه‌ای «خبرنگار به مثابه کارشناس راوی مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها، نقش مهمی داشت. چرا؟ چون تا پیش از این، فقط روایت و نقد می‌کردیم؛ اما حالا می‌توانستیم در حد یادداشت مقاله تهیه و سردمان را از نقطه صفر اقدامات آغاز کنیم؛ حتی محدود به رصد هم نمی‌شد و تأثیر بر تصمیم‌گیری‌ها را هم رقم می‌زدیم و خوب چه جلالتی بیشتر از این برای یک خبرنگار می‌تواند؟! اینکه ببینی می‌توانی از بعضی اشتباه‌های آتی جلوگیری کنی یا از تجربه‌های خبرنگاران‌ات برای پیشبرد صحیح و خلاقانه برخی از پروژه‌های میراثی شهری استفاده کنی؟! البته که انباشت تجربه‌ها تا اناسال و همین امروز آمده دارد و چشم‌اندازمان برایش طولانی است. روزشمار زیست سرویس میراث و گردشگری روزنامه آصفهان زیبا را مرور می‌کنم و دلم می‌خواهد از همه آنان که از ابتدا در پا گرفتن این سرویس نقش داشته‌اند، بیخوامم که از خاطره‌ها و تجاربشان بگویند. در تمام این سال‌ها حدود ۱۰۰ نفر مستقیماً با این سرویس به‌عنوان خبرنگار، نویسنده، کارشناس، طراح، گرافیست، عکاس، ویراستار… همکاری داشته‌اند و تصمیم‌های پنج‌سردبیر، مدیرمسئول، یک دبیر تحریریه و یک عضو شورای سردبیری به‌طور مستقیم بر روند حرکت این سرویس تأثیرگذار بوده است. در صفحه امروز یادداشت برخی از اعضای قدیمی سرویس میراث و گردشگری را می‌خوانیم.

فاصله جغرافیایی نزدیک، ولی از بعد زبینی، جزئیات و زیبایی معماری که خلق کرده، در جهان دیگری است. در همه این شهرگردی‌ها و جست‌وجو برای ناگفته‌ها، سخت‌ترین گزارشی که نوشتم از کاروان‌سرای یاور، معروف به مجیدی در نجف‌آباد بود که در سکوت شهرداری یک‌شبه تألپ‌دید شد؛ «میراثی که بار کامیون شده» و آخرین تلاشم به‌منظور حفظ یک منظر طبیعی برای «همت‌آباد» یا علیه «همت‌آباد»، یک گزارش تحقیقی به پیشنهاد عاطفه کرباسی، هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و حاصل گفت‌وگو با مسئولان و مخالفان پروژه ساخت یک ساختمان چندین طبقه وسط باغ‌ها برای توسعه خانه سالمندان همت‌آباد. در این گزارش تلاش کردم تصویر واضحی از اتفاقی که در حال رخ دادن است ثبت کنم؛ زندگی ولی همیشه شیرین نیست، یک‌وقت‌هایی فایده‌ای ندارد. هرچقدر تلاش کرده و خبر را دقیق تعریف و با افراد متعدد مصاحبه‌کنی، خانه تاریخی خراب می‌شود، منظر طبیعی آسیب می‌بیند، جنگل در آتش می‌سوزد و زاینده‌رود خشک می‌شود. زندگی یک خبرنگار یا فعال میراث فرهنگی پر از این فراز و فرودهاست و مسأله‌ها تلخی‌اش بیش از شیرینی آن است. اما

یک‌بار، یک‌بار می‌بارد می‌شود! کمپینی که یک خیابان تاریخی از زنجات می‌دهد، دادگداهی که مالکی را به خاطر خشک‌کردن درختان قدیمی جریمه می‌کند یا میراث فرهنگی وارد می‌شود و مانع تخریب کارخانه قدیمی می‌شود و تو در کافه مجموعه‌ای تاریخی فرهنگی نشسته‌ای و جای می‌نوشی که در واقع خانه‌ای تاریخی است و تو نقشی کوچک در حفظ آن داشته‌ای. آن لحظه حسنی قشنگ و وصف‌نشدنی دارد. این تجربه‌ها و برای کمپینتی تلاش کردن، بعد بیرونی خبرنگار حوزه گردشگری و میراث است؛ چیزی که بیشتر دیده می‌شود. به نظر من مهم‌ترین و عمیق‌ترین نتیجه وقتی است که با افرادی دیدار می‌کنی که نوشته‌هایت را در روزنامه، مجله یا فضای مجازی می‌خوانند و با آگاهی درباره مسائل مربوط صحبت می‌کنند؛ هرچند نظرشان با تو یکی نباشد.

وقتی از کوچ‌های (در اطراف سبزده میدان می‌گویی، نمی‌گویند این خشت‌پاره‌ها را چرا تو نکتیم؟) از هویت می‌گویند، از حس زندگی، از حس تعلق به شهری که دوستش داریم و در آن بزرگ شدیم. از این می‌گویند که اگر آدم به میدان نقش جهان نرود، یادش میرفت که اصفهانی است. که ابرایی است. برای این آدم‌ها زاینده‌رود جایی بیش از خوش‌مزه‌ها هنوز در ذهنم پیچیده است، قشم سرزمین هزار تندیس، راه‌هم دوست داشتم؛ چون هویت دیگری از زمین‌شناسی و ژئوگردشگری را در ذهن مخاطب تداعی می‌کرد. از تیزهای «پاپی‌گردی‌ها» در شمال کشور، هم خیلی خوش می‌آمد؛ چون پاییز واقعا فصل زیبایی برای گردشگری در جنگل‌های شمالی است. تیزر سفرهایی از جنس کلاس» را هم خیلی دوست داشتم؛ چون واقعا دورانی است که خیلی‌ها ذات سفر را فراموش می‌کنند و برای کلاس گذاشتن و شبکه‌های اجتماعی به سفر می‌روند؛ البته تیزرهای زیادی برای زاینده‌رود نوشتم و شاید

## هزار روایت از خوش‌مزه‌گردی تا ژئوگردشگری

آبی گذران برای کشاورزی پایین دست است؛ یک جایی می‌بینی یادداشتی از تو، دیگری را به فکر انداخته است و به میراث خرد شده که همسایه‌اش آب انداخته روی پشت‌بام خانه احتمالاً صفوی تا خراب بود و یک چند طبقه بسازد؛ سودی اندک در مقابل آسیبی که به پیشینه و فرهنگ نه تنها فرزندانمان که تمام ایرانیانی که پس از ما می‌آیند، می‌زند.

یک روز نشسته‌ای در جمع خانواده و لایه‌لای حرف از گرانی و تورم و جنگ، فامیلی که همواره ساکت بوده در گوش تو می‌گوید: «حیف که این قدر مشکلات زیاد شده که کسی از ترک‌های سی‌وسه پیل، مسجد حکیم و فرونشست خاک می‌تواند حرفی بزند».

میراث و گردشگری که این شغل را برای ماندن جاری شدن دوباره را در دل مردم زنده نگاه دارد. حقوقش را به آخر ماه برساند، از پشت شیشه‌های اتوبوس به سی‌وسه پیل و خواجو نگاه می‌کند و به خاطره‌های جمعی که از کارنورد خانه مهاجرت می‌کنند، فکر می‌کند.

من فکر می‌کنم هیچ لذتی برای یک خبرنگار میراث و گردشگری که مسأله‌ها برای ماندن جاری شدن دوباره را در دل مردم زنده نگاه دارد. می‌تواند از طریق این شغل با هزاران چالش روبرو رست، بالاتر از دیدن افزایش آگاهی در مردم

## صفحه میراث و گردشگری اصفهان زیبا و تولد یک کتاب

«یک صدویک نکته در گردشگری اصفهان» چطور متولد شد؟



به آن‌ها برای همگان مقدور باشد. چنین شد که کتاب یک صدویک نکته در گردشگری اصفهان را بر اساس این یادداشت‌ها و گاهی با تکمیل کردن آن‌ها، سامان دادم و برای چاپ به «بخش بیندازم و رویکرد نویی در معرفی آن‌ها ارائه دهم. دست به‌قلم شدم و برای بسیاری از آثار و انبیه شهر و حتی خیابان‌ها و وقایع با توجه به این اسناد و روزنامه‌ها مطالبی در حد یادداشت مقاله تهیه کردم و برای صفحه گردشگری روزنامه آصفهان زیبا فرستادم. دبیر محترم سرویس هم تقریباً ستون اختصاصی برای نوشته‌ها و یادداشت‌های من در نظر گرفته بود. هفته‌ای سه یا چهار بار این صفحه چاپ می‌شد. در واقع روزنامه آصفهان زیبا رنگ‌وبوی فرهنگ، میراث و تاریخ گرفت. بعد از آن سراغ کنجینه‌هایی از شهر اصفهان رفتم که اکنون دیگر وجود ندارند. باغ هزارچریب، عمارت صدری، عمارت هفت دست، آیینیه خانه، باغ قوشخانه، تالار طویله و شهرک فرح‌آباد، باغ زرشک، میدان چهار حوض و… از دل آثار و اسناد مطالبی تازه و ناب درباره آن‌ها نوشتم و یاد آن‌ها را زنده کردم و برای خرابی آن‌ها به دست تیشه ظل السلطانی مرثیه سرودم. می‌خواستم بگویم ما از فقدان آن‌ها غمگین هستیم و درس آموزشی که چگونه باید از آنچه داریم، محافظت کنیم. بعد از چند سال همکاری، وقتی دوستان به سراغم آمدند تا فلان یادداشت‌م را درباره مقبره صائب، کوه آتشگاه یا منار ساریان از من بگیرند، دریافت‌وقت آن رسیده است که این یادداشت‌ها در کتابی ارائه می‌شود، چندان

<span><span></span></span>
<div><div><span><span></span></span></div><div><span>عبدالمهدی رحانی</span></div></div> <div>اصفهان‌پژوه</div>

روزی که همکاری خود را با صفحه میراث و گردشگری آغاز کردم، هرگز فکر نمی‌کردم حاصل آن کتابی‌شود که حدود چهارصد و پنجاه صفحه است و «یک صد و یک نکته در گردشگری اصفهان» نام دارد. این یادداشت‌چگونگی تولد کتاب و کیفیت آن را به رشته تحریر درآورده است.

روزی حدود پنج سال پیش خانم حاجاتی در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان نزد من آمد و پیشنهاد همکاری با سرویس میراث و گردشگری اصفهان زیبا را داد. من آن روزها تازه کتاب «اخبار اصفهان در روزنامه‌های عصر قاجار» را به اتمام رسانده بودم. مجموعه زیادی از اسناد و بریده روزنامه داشتم که همگی در باب آثار تاریخی شهر اصفهان بودند. تصمیم گرفتم با سود بردن از آن‌ها ناگامی دوباره به آثار و انبیه تاریخی اصفهان بیندازم و رویکرد نویی در معرفی آن‌ها ارائه دهم. دست به‌قلم شدم و برای بسیاری از آثار و انبیه شهر و حتی خیابان‌ها و وقایع با توجه به این اسناد و روزنامه‌ها مطالبی در حد یادداشت مقاله تهیه کردم و برای صفحه گردشگری روزنامه آصفهان زیبا فرستادم. دبیر محترم سرویس هم تقریباً ستون اختصاصی برای نوشته‌ها و یادداشت‌های من در نظر گرفته بود. هفته‌ای سه یا چهار بار این صفحه چاپ می‌شد. در واقع روزنامه آصفهان زیبا رنگ‌وبوی فرهنگ، میراث و تاریخ گرفت. بعد از آن سراغ کنجینه‌هایی از شهر اصفهان رفتم که اکنون دیگر وجود ندارند. باغ هزارچریب، عمارت صدری، عمارت هفت دست، آیینیه خانه، باغ قوشخانه، تالار طویله و شهرک فرح‌آباد، باغ زرشک، میدان چهار حوض و… از دل آثار و اسناد مطالبی تازه و ناب درباره آن‌ها نوشتم و یاد آن‌ها را زنده کردم و برای خرابی آن‌ها به دست تیشه ظل السلطانی مرثیه سرودم. می‌خواستم بگویم ما از فقدان آن‌ها غمگین هستیم و درس آموزشی که چگونه باید از آنچه داریم، محافظت کنیم. بعد از چند سال همکاری، وقتی دوستان به سراغم آمدند تا فلان یادداشت‌م را درباره مقبره صائب، کوه آتشگاه یا منار ساریان از من بگیرند، دریافت‌وقت آن رسیده است که این یادداشت‌ها در کتابی ارائه می‌شود، چندان

سال یستم \* شماره ۴۸۹۲ \* شنبه \* ۲۰ مرداد ۱۴۰۲

<span><span></span></span>
<div><div><span><span></span></span></div><div><span>آصفهان زیبا</span></div></div> <div>دبیرگروه میراث و گردشگری</div>

جداییتی ندارد. گردشگر غیرمتخصص، تصویری از عصر صفوی و شاید قاجار در ذهن خود ندارد؛ اما برایش جذاب خواهد بود اگر گفته شود عمارت هشت‌بهشت محل تشکیل اولین مدرسه به سبک جدید در اصفهان بوده است. این گردشگر اگر مطالبی در باب تاریخ اجتماعی چهارباغ بشنود، حتماً به آن گوش می‌کند؛ چراکه سوزده مذکور را مطلبی راجع به گذشته نمی‌پندارد و همین امروز نیز با آن دست‌به‌گریبان است. این گردشگر دوست دارد حوادث تاریخی و خصوصاً کاربری بنا را در گذر زمان بداند؛ چراکه با این موضوع‌ها بیشتر ارتباط برقرار می‌کند. تا اینکه فقط گفته‌شود ایامد بنا چیست و در زمان کدام پادشاه ساخته شده است. این کتاب تلاش دارد مطالب گردشگری اصفهان را از دور باطل «تکرار» خارج کند. سید علی جناب، حسین نورصادقی، نریم نیکزاد حسینی، دکتر لطف‌الله هنرفر، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، ایرج افشارسیستانی، مهدی سجادی نائینی، جلال همایی، محمود رضا شایسته و… در واقع تلاش داشتند کتابی برای معرفی اصفهان به‌منظور عرضه به محققان و پژوهشگران بنگارند. می‌توان گفت که هیچ‌کدام رویکرد گردشگرانه به مقوله اصفهان‌شناسی نداشته‌اند. گردشگر اطلاعات و دانستنی‌های خاص خودش را می‌خواهد. او نکته‌های جالب و هیجان‌انگیزی را طلب می‌کند تا در ذهنش بماند و بتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. اگر خانه‌ای تاریخی را می‌بیند، امر برایش جالب است که مثلاً بداند فلان شخصیت در این خانه متولد شده یا بزرگ شده است. فلان پیمان مهم در این خانه بسته شده است. فلان حادثه تأثیرگذار در این خانه اتفاق افتاده است. در آخر کتاب را به دو نفر از عاشق‌ترین عاشقان اصفهان یعنی جلال همایی و جمشید مظفری تقدیم کردم. هر دوی‌ی در تقاب خاک کشیده‌اند. هر قدم و قلم آن‌ها سرشار از عشق به اصفهان بود. کتاب یک صدویک نکته در گردشگری اصفهان حاصل چند سال همکاری با سرویس میراث و گردشگری روزنامه آصفهان زیبا بود. من به سهم خود از خانم حاجاتی که نقش زیادی در تولید و تولد این کتاب داشتمند، سپاسگزارم و امیدوارم بعد از این نیز در این راه قلم بزنم. به قول شاعر «مجاری من و معشوق مرا پایان نیست/ آنچه آغاز ندارد نپایرد انجام»

اصسان ناجی

رهنمائی طبیعت‌گردی

اولین کلاس عکاسی را که در جوانی رفتم، هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. همراه استاد به میدان نقش جهان رفتم و استاد گفت شروع به عکاسی کنید که در آن هیچ سوزده معماری نباشد. آخر مگر می‌شود در شاهکار معماری جهان باشی و آن را از نگاه دوربینت مخفی کنی؟ آری می‌شود؛ فقط باید جایی که فقط دوست داشتم بنویسم تا شوق دیگری می‌توان دید. کمک‌کم دنبال این دیدن‌های جدید را گرفتم و دیدم بیمار سفر رفتن شدم و در

هر سفر پیامی خلاصه است و تجربه‌ای ماندگار.

آنجا بود که دیدم دلم می‌خواهد آنچه را از زاویه‌ای جدید دیدم، برای دیگران روایت کنم. روایتگر بودن ساده به نظر می‌آمد؛ اما ساده نیست. هرچند فراموش این روزها جادوی گذشته را ندارند، برای من همچنان نوشتن آرامشی عمیق به‌همراه دارد؛ حتی اگر قرار باشد تنها یک نفر آن را بخواند و لذت ببرد. داستان قلم‌زدن من از روایت بیمودن کوه‌ها و دره‌ها در مجله‌ها و سایت‌ها شروع شد؛ جایی که فقط دوست داشتم بنویسم تا شوق رهسپار بودن را در روح دیگران بیازمایم؛ ولی در یک گردش‌هایی رهنمایان گردشگری که من هم

عضوی از آن بودم، پیشنهاد کوچکی از مجله گردشگر مثبت به سراغم آمد برای نوشتن وبعدها خلاصه شد در نوشتن همیشگی در صفحه گردشگری روزنامه اصفهان زیبا؛ نوشتنی که از قالب پنج‌بره‌ای بیرون‌رفتگی‌هایی که از چشم‌ها دور بود و من خواستم بنویسم تا رؤیایی شیرین را در قالب کلماتی ساده در روح مردم شهر زیبایی که تمام کودکی تا میان‌سال‌ی ام را در آن بودم، زنده کنم. سال‌ها گذشت و من از خوب‌ها و بد‌ها نوشتم تا شاید رسالتی را برای نشان دادن معنای زندگی که در یک قدم آن طرف‌تر نمی‌دانم چیست، دربرایم؛ دنبایی که شاید در نگاره‌های

زیبای میدان نقش جهان، نقش زیبایی در زربیا نشان دادن جهان دارد؛ روحی درهم‌تنیده از هنر معماری و عشق که سال‌هاست از بالا قابی است زربیا بر پیکر شهر و من هر آنچه نوشتم در گذر از گذرهای بازار و مردمی بود که با ذوق به حجره‌های پر هنر اتر اصفهان نگاه می‌کردند. از هنرهای دست‌صنعتگران و میراث‌گذشتگان نوشتم تا طبیعت و کوه‌ها تا شاید بتوانم زربیا زیبای ایران را در اصفهان زیبا بنشانم. تیزرهای زیادی نوشتم‌ها که هر یک را به نحوی دوست دارم. از میان آن‌ها تیزر «خوش‌مزه‌گردی در امیرچخماق یزد» را خیلی دوست داشتم؛ چون عطر

یکی از آن‌ها «وقتی زاینده‌رود زنده» یکی از تلخ‌ترین آن‌ها بود. از تالطم رودهای زیبای ایران هم نوشتم تا غم نبود زاینده‌رود زیبای من که آواری است بر زخم‌های این شهر و امیدوارم امید جاری شدن دوباره را در دل مردم زنده نگاه دارد. هرچون خود زندگی که گاهی بر فراز قله‌های ایران احساسش می‌کنم و منتظر، با ساجتی به درازی از زندگی، با شوقی که تمام‌شدنی نیست، با میلی شدید و عطش وحشتناکی که به سفر دارم و به اصفهان زیبای خودم که هنوز هم در قلب او جا دارم و هم او قلب من جا خوش کرده است.

# اصفهان زیبا

## پرچم دار روزنامه نگاری محلی در ایران



**محمدحسین اعزازیان**  
سردبیر

در شرایطی که شهر ماصفهان درگیر مسائل و مشکلات متعددی در حوزه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی است، تجلیل از مقام خبرنگار و توجه به تأثیر خیر، اهمیتی دوچندان دارد. خبرنگار (به معنای عام آن) در ایران امروز به واسطه ضعف نهادهایی همچون دانشگاه ها و اندیشکده ها و در خلأ وجود سازمان های مردم نهاد که باید دامنه بر عملکرد مسئولان و روند های درازمدت توسعه نظارت کنند، جایگاهی خطیر یافته است. به قول یکی از حکما «روزنامه نویسان از ناتوانی ها و کمبودها و ضعف های سازمان ها و متصدیان امور خبر دارند و مهم ترین آن ها زبان نقد را می شناسند و وظیفه دشوار بیدارگری را به عهده گرفته اند». در واقع این روزنامه نگاران و خبرنگاران هستند که به دلیل دگرگونی روزانه با موضوعات خبری و مسائل و اقدامات سازمان ها، از چالش ها آگاه اند؛ مخصوصا در شرایطی که متوسط عمر مدیریت ها به دو تا سه سال رسیده و مدیران پیش از آنکه با مسائل حقیقی حوزه کاری خود آشنا شوند باید با صندلی مسئولیت خدا حافظی کنند. از سوی دیگر خبرنگاران از آنجا که

درگیر اخبار به معنای اعم آن هستند، فهم بهتری از شرایط کلی دارند و به همین دلیل می توانند نسبت اجزا با کل را به صورت عمیق تر درک کنند. همین درک عمیق، وظیفه بیدارگری را بر دوش آن ها قرار داده؛ اما باید بدانیم ایفای این وظیفه در اصفهان به دو دلیل، سخت تر و با اهمیت تر از دیگر شهرهاست؛ اول آنکه خلق مردم اصفهان با رسانه دم ساز نیست؛

گویی عمق وجودی و پیچیدگی های شخصیتی اصفهانی ها فراتر از آن است که در رسانه متجلی شود؛ به همین دلیل تا چند سال قبل، این جمله در میان مسئولان و نخبگان اصفهانی پرتکرار بود که «اصفهان، رسانه ندارد!» و گسترش کمی رسانه ها هم دردی از آن دوانمی کند... بنابراین خبرنگار اصفهانی باید بداند در شهری زیست می کند که مردمش به راحتی روی خوش به رسانه ها نشان نمی دهند.

اما دلیل دوم که انجام رسالت خبرنگاری در اصفهان را سخت کرده وجود تعارض منافع شدید در هر یک از مسائل این شهر است. به طور مثال در سال های اخیر، آلودگی هوای اصفهان به یکی از مهم ترین مشکلات شهر تبدیل شده و خبرنگار اگر به دنبال مقصران این پدیده باشد با ذی نفعان مختلفی روبه روی می شود که تعارضات جدی با منافع درازمدت شهر دارند.

در شرایط امروز اصفهان، صاحبان صنایع و مشاغل برای تیرنه نقش خود در افزایش مشکلات زیست محیطی اصفهان نه تنها هزینه می کنند، بلکه رأسا به جریان سازی خبری و رسانه ای اقدام می کنند. در چنین شرایطی خبرنگار حقیقت جو چه بسا برای بیدارگری باید از بسیاری از منافع شخصی عبور کند و حتی شکل های صنعتی و مطبوعاتی نیز

نمی توانند باریگر و باشند. به این ترتیب آنچه در این شرایط اهمیت پیدا می کند، نه تنها وجود خبرنگار بلکه وجود سنت های متداوم خبری و رسانه ای است؛ سنت هایی که در باطن خود حامل ارزش ها، آرمان ها و قصه ها هستند. چیزی که در اصفهان بی سابقه نیست و نمونه کوچک آن را می توان در عملکرد مرحوم امیرقلی امینی در روزنامه های «اخر» و «اصفهان» مشاهده کرد. این سنت ها تنها در شرایطی به قوام می رسند که از امتداد کافی برخوردار باشند و رویدادهای مختلف تاریخی را به هم پیوند دهند؛ به طوری که در بررسی هر یک از وقایع اصفهان بتوان ردپایی از سنت روزنامه نگاری و خبرنگاری این شهر مشاهده کرد.

در چنین شرایطی، انتظاری که هم اکنون نیز مردم از رسانه ها دارند، معنی دار شده و اختلاف رویکرد رسانه ها آسیمی به منافع درازمدت شهر وارد نخواهد کرد؛ چرا که همه این رویکردها در امتداد سنت روزنامه نگاری و خبرنگاری اصفهان می شوند.

به این ترتیب می توان به اهمیت وجود رسانه های قوی با سابقه طولانی پی برد. روزنامه «اصفهان زیبا» یکی از این رسانه هاست که در آستانه بیستمین سالگرد انتشار خود قرار دارد و در دو دهه فعالیت خود، در مسیری پرفراز و نشیب اما همواره روبه رشد

حرکت کرده است. در نگاهی کلی می توان فعالیت این روزنامه را به سه ساح کلان تقسیم کرد: ساح اول یا تأسیس روزنامه و تربیت نسل اول خبرنگاران مستعد آغاز شد. در این ساخت روزنامه «اصفهان زیبا» به عنوان رسانه ای حرفه ای، نضج گرفت و دامنه فعالیت های خود را در گروه های خبری تحلیلی متنوع گستراند. ساح دوم فعالیت های

حرکت کرده است. در نگاهی کلی می توان فعالیت این روزنامه را به سه ساح کلان تقسیم کرد: ساح اول یا تأسیس روزنامه و تربیت نسل اول خبرنگاران مستعد آغاز شد. در این ساخت روزنامه «اصفهان زیبا» به عنوان رسانه ای حرفه ای، نضج گرفت و دامنه فعالیت های خود را در گروه های خبری تحلیلی متنوع گستراند. ساح دوم فعالیت های

حرکت کرده است. در نگاهی کلی می توان فعالیت این روزنامه را به سه ساح کلان تقسیم کرد: ساح اول یا تأسیس روزنامه و تربیت نسل اول خبرنگاران مستعد آغاز شد. در این ساخت روزنامه «اصفهان زیبا» به عنوان رسانه ای حرفه ای، نضج گرفت و دامنه فعالیت های خود را در گروه های خبری تحلیلی متنوع گستراند. ساح دوم فعالیت های

حرکت کرده است. در نگاهی کلی می توان فعالیت این روزنامه را به سه ساح کلان تقسیم کرد: ساح اول یا تأسیس روزنامه و تربیت نسل اول خبرنگاران مستعد آغاز شد. در این ساخت روزنامه «اصفهان زیبا» به عنوان رسانه ای حرفه ای، نضج گرفت و دامنه فعالیت های خود را در گروه های خبری تحلیلی متنوع گستراند. ساح دوم فعالیت های

### چاپ بی چاپ!

روزنامه های اصفهان در صورتی که فکری به حال تأسیس چاپخانه چاپ رول در اصفهان نکنند، محکوم به فنا هستند



مسئله ای که چندسالی است روزنامه های اصفهانی را باغدغه های مضاعف علاوه بر روزنامه نگاری روبه رو کرده، «چاپ روزنامه» است. چاپ روزنامه همیشه مسائل ریز و درشتی به همراه خود داشته که از جمله آن ها می توان به بالا رفتن هزینه خرید کاغذ و افزایش هزینه چاپ اشاره کرد؛ اما در اصفهان این مسئله نسبت به سایر کلان شهرهای کشور کمی متفاوت است. شاید برای شما باورکردنی نباشد که مدتی است در اصفهان چاپخانه روزنامه که در اصطلاح به آن چاپخانه رول گفته

می شود، وجود ندارد؛ متأسفانه چند شرکت چاپ رول که در اصفهان فعالیت داشتند به دلایل مختلف از این شهر کوچ کرده اند. به این ترتیب بدون تلاش شبانه روزی محلی اصفهان برای چاپ پرتیراز با هزینه های سربار و اضافی، روزنامه های خود را در شهرهای مختلف مانند قم، تهران و یا اهواز به چاپ می رسانند! این هزینه های سربار که روزنامه ها مجبور به پرداخت آن هستند، شامل ارسال روزنامه های چاپ شده از محل چاپخانه تا اصفهان، هزینه های مأمور ناظر چاپ در محل چاپخانه برای کنترل کیفیت چاپ و موارد دیگری است که در حقیقت کمر روزنامه های محلی را شکسته است. اصفهان از نظر وسعت، اهمیت،

روزنامه از اواسط دهه نود گسترش یافت و ویژه نامه های روزنامه اصفهان زیبا متولد شدند که از آن میان می توان به مجله «گردشگر مثبت»، ویژه نامه «بیسیم چی»، فصل نامه «تیمچه»، ماه نامه «فصل نو» و فصل نامه «روایت اصفهان» اشاره کرد. این روزنامه در ساحت سوم فعالیت های خود با حفظ و ارتقای داشته های دو ساحت دیگر و با فهمی نواز تحولات عرصه رسانه در ایران، فعالیت های خود در فضای مجازی را گسترش داد؛ به طوری که هم اکنون با توجه و ضربب بخشیدن به محتوای تولید شده در روزنامه، یکی از مهم ترین پیشران های طرح و تحلیل مسائل اصفهان و صدای مطالبات مردم این شهر در فضای مجازی به حساب می آید. روزنامه «اصفهان زیبا» در دو سال گذشته محوریت همه گزارش ها و یادداشت های خود را «مسائل اصفهان» قرار داده است و با اجتناب از نگاه های فانتزی و یأس اندیشی تلاش می کند مسئولان را در فهم بهتر مسائل اصفهان یاری دهد؛ به همین دلیل در یک نگاه کلی، روزنامه از انتشار اخبار رسمی به سمت تولید تحلیل ها و نقدهای مسئله محور حرکت کرد؛ به طوری که روزنامه ای که هم اکنون در دست شماست با تلاش همکاران من در گروه های مختلف به طور صد درصد تولیدی (بدون یک کلمه حرف اضافه) منتشر شده است. باید توجه داشت با توجه به وجود تشکران، نقش آفرینی و ذی نفعان متعدد در چالش های مختلف اصفهان، لازمه طرح صحیح مسائل این شهر به دروازا اغراض مادی و معنوی، رفع انحصار رسانه ای است؛

چرا که رسانه در این میان نه تنها به عنوان یکی از مهم ترین بازیگران اصفهان نقش آفرینی می کند، بلکه خود می تواند نظام تصمیم را به سمت صحیح یا غلط سوق دهد؛ به همین منظور توسعه گستره خبرنگاران و نویسندگان در دستور کار «اصفهان زیبا» قرار گرفته است. در پایان یادآور می شوم روزنامه «اصفهان زیبا» در سال ۱۴۰۲ با امتیاز ۹۲،۲ به عنوان برترین روزنامه استان اصفهان و «برترین روزنامه استانی در ایران» شناخته شد و به همین دلیل پرچم دار روزنامه نگاری محلی در ایران به حساب می آید.

این موفقیت بدون تلاش شبانه روزی خبرنگاران در بخش های مختلف روزنامه اصفهان زیبا و شرکت پیام اصفهان زیبا محقق نمی شد. به امید روزی که اصفهان ققنوس وار از مشکلات عبور کند و دوباره نقش بی بدیل خود را در دل ایران بازیابد.



### در اصفهان چه خبر است؟

نگاهی به کانال ها و صفحه های پربازدید خبری در اصفهان



**علی نجار**  
دیر صفحه آینده

خبرنگاران و خبرگزاری ها اولین گروهی نبودند که وارد شبکه های اجتماعی شدند؛ اما می توان گفت از اولین گروه هایی بودند که به سرعت جای خود را در شبکه های اجتماعی یافتند. تپیش از آن، خبرگزاری ها در دنیای دیجیتال در بستر وب سایت ها فعالیت می کردند و سایت های خبری در زمره سایت های بسیار پربازدید دنیای اینترنت قرار می گرفتند. با ظهور شبکه های اجتماعی، خبرگزاری ها خیلی زود دست به کار شدند و با ورود به این عرصه توانستند طیف وسیع تری از مخاطبان را به خود اختصاص دهند. علاوه بر آن، پدیده شهروند خبرنگاری نیز رشد چشمگیری یافت. شهروندان عادی از طریق شبکه های اجتماعی با خبرنگاری ها ارتباط گرفتند و بسیاری از گزارش ها توسط آنان در اختیار خبرنگاری ها قرار می گرفت. همچنین تپیش از شبکه های اجتماعی شاید کمتر فردی می توانست به مدد یک مشارکت محدود بتواند پایگاه خبری تأسیس و اداره کند؛ اما امروز بسیاری از صفحه ها و کانال ها در شبکه های اجتماعی، محور فعالیت خود را خبررسانی قرار داده اند؛ بدون اینکه حتی یک محل کاری یا نیروی کار آن جنانی داشته باشند. حتی برخی از کانال های تخصصی که توسط یک نفر مدیریت می شود (گزارشگران تک نفره) مرجع خبرگزاری های رسمی قرار می گیرد. در شبکه های اجتماعی، صفحه های خبری مربوط به یک استان یا شهر معمولا مورد توجه ساکنان آن منطقه واقع می شود. در ادامه تعدادی از صفحه ها و کانال های رسمی و غیررسمی در شبکه های اجتماعی درباره اصفهان را مورد بررسی قرار می دهیم.

#### \* تلگرام

در تلگرام اکثر خبرگزاری های رسمی اختصاصا کانالی ویژه اخبار اصفهان دایر کرده اند. خبرنگاری فارس اصفهان حدود پنج هزار دنبال کننده، خبرنگاری ایرنا اصفهان حدود سه هزار دنبال کننده و خبرنگاری ایسنا اصفهان حدود ۵۰۰ دنبال کننده دارد.

مجموعه کانال های خبر فوری، یکی از پرمخاطب ترین خبررسان های ایرانی بر بستر شبکه های اجتماعی محسوب می شود. خبر فوری از ابتدا بر پایه شبکه های اجتماعی تأسیس شده و فعالیت های آن بر فضای تلگرام متمرکز است. کانال خبر فوری اصفهان با هشت هزار دنبال کننده فعالیت می کند. کانال آخرین خبر اصفهان نیز با ۳۸ هزار مخاطب از پرمخاطب ترین خبررسان های ایرانی بر بستر شبکه های اجتماعی است.

#### \* اینستاگرام

در فضای اینستاگرام معمولا اخبار با تیترهای پرهیجان تری منتشر می شود و غالب اخبار منتشر شده، به ضمیمه فیلم و عکس است؛ به طوری که گاهی اوقات فیلم و عکس برخی از اخبار با متن آن همخوانی ندارد و به نوعی خبر فیک (جعلی) محسوب می شود. همچنین تولید محتوا از طریق شهروند خبرنگاران در اینستاگرام جدی تر انجام می شود و بسیاری از فیلم ها توسط کاربران برای خبررسان ها ارسال شده است. به طور کلی نیز کاربران اینستاگرام بیش از سایر شبکه های اجتماعی به دنبال کردن صفحه های خبری تمایل دارند.

یکی از صفحه های خبری اینستاگرام با محوریت اصفهان، صفحه ای تحت عنوان vesf با حدود ۳۷۲ هزار مخاطب است. بسیاری از ویدیوهای این صفحه بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون بازدید دریافت می کند. روزنامه «اصفهان امروز» نیز یکی دیگر از صفحه های پرمخاطب اینستاگرام است که حدود ۱۰۲ هزار دنبال کننده دارد و ویدیوهای آن به طور تخمینی به صورت میانگین حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار بازدید دریافت می کند. خبرنگاری فارس اصفهان حدود ۱۰ هزار دنبال کننده در اینستاگرام دارد و ویدیوهایش به صورت تخمینی بین سه تا پنج هزار بار بازدید می شوند. صفحه آخرین خبر اصفهان در اینستاگرام نیز حدود ۳۰۰ هزار دنبال کننده دارد و ویدیوهای این صفحه به صورت تخمینی میانگین، بین ۶ تا ۱۲ هزار بازدید دارد. در اینستاگرام علاوه بر این موارد، بسیاری از صفحه های غیرخبری با موضوع اصفهان فعالیت می کنند. معرفی رستوران های اصفهان یا مکان های دیدنی شهر و... با فرم بلاگری در این صفحه ها انجام می شود.

#### \* ایما

در ایما کانال «چارچی اصفهان» با ۱۰۴ هزار دنبال کننده فعالیت می کند. البته این کانال علاوه بر اخبار اصفهان، بسیاری از اخبار عمومی را نیز پوشش می دهد. به طور تخمینی و میانگین، پست های این کانال حدود ۱۶ هزار بازدید دریافت می کند. کانال «اخبار اصفهان» ها ۹۱۳۰۰ با بیش از ۲۰ هزار دنبال کننده، دیگر کانال پرتعداد در ایماست که معمولا به انتشار اخباری از وقایع شهر می پردازد. در ایما حجم زیادی از کانال های خبری با مخاطب بین یک تا چهار هزار نفر نیز وجود دارد که معمولا متعلق به گروه ها و جریان های سیاسی در شهر است. به نظر می رسد رسانه های اصفهان به عنوان شهری با جمعیت بیش از دو میلیون نفر، به رغم کثرت و تنوع، همچنان در پوشش حداکثری مخاطبان اصفهانی توفیق نیافته و باید در زمینه توزیع اخبار سرمایه گذاری دقیق تری انجام دهند. علاوه بر این، علاوه بر این، باید به این فکر بود که چطور می توان انظر کیفی نیز سطح خبرنگاری و خبررسانی با محوریت اصفهان را بهبود بخشید و از این ظرفیت بهترین استفاده ممکن را داشت.

## جای خالی مردم در نمایشگاه جامع مدیریت شهری



**گروه روایت شهر**

نمایشگاه جامع مدیریت شهری که قرار است آخرین اقدامات و فعالیت‌های حوزه‌های مختلف شهری را در معرض دید عموم قرار دهد، از ۱۷ مردادماه کارش را در نمایشگاه بین‌المللی آغاز کرد. این نمایشگاه سیزدهمین نمایشگاه جامع مدیریت شهری است. به‌عنوان خبرنگار «اصفهان زیبا» در نمایشگاه حاضر شدم تا گوشه‌ای از فعالیت‌ها را منعکس کنم. محور این نمایشگاه خدمات شهری است و عمده غرفه‌ها به فعالیت‌هایی که در حوزه خدمات شهری به مردم خدمات می‌دهند، اختصاص دارد. این را وقتی وارد نمایشگاه می‌شوی و ماشین‌آلات سنگینی که در حوزه عمرانی و خدماتی به مردم خدمات می‌دهند را می‌بینی، بیشتر متوجه می‌شوی. کارم را از نمایشگاه به خدمات سازمان آتش‌نشانی و ایمنی شهرداری اصفهان اختصاص داده شده بود؛ غرفه‌ای که به‌روزترین امکانات و وسایل آتش‌نشانی را به تصویر می‌کشید. لباس‌های ضد حریق، خودروه‌های جدید امدادی، کلاه‌های به‌روز آتش‌نشانی، ماشین‌آلات به‌روز شده و دستگاه زنده‌یاب دل آدم را قرص می‌کرد که آتش‌نشانی حواشش به توسعه شهر و افزایش امکانات و به‌روزرسانی بوده است.

این موضوع را مدیرعامل آتش‌نشانی وقتی مهمان غرفه «اصفهان زیبا» شد هم گفت و اطمینان خاطر داد که شهر باتوجه به اقداماتی که انجام می‌شود در امنیت است و آتش‌نشانی تلاش می‌کند امکاناتش را به‌روز کند. آتش‌نشانی کارش تنها به نمایش امکاناتش خلاصه نشده بود. تلاش کرده بود نمایشی از عملیات‌های نجات را برای مردم اجرا کند و همین مسئله بیشتر مردم را جذب می‌کرد. بچه‌ها هم می‌توانستند در قسمتی از اجرا دخیل باشند و این، باعث جذب‌شدنشان به غرفه شده بود.

غرفه فضای سبز و پارک‌ها و پسماند هم جذابیت مخصوص به خودش را داشت. روش‌های نوینی که به‌پسماند به‌دست‌آمده و اهدافی که مدیریت شهری در حوزه پسماند و بازیافت به آن رسیده بود، وضعیت مطلوبی را به نمایش می‌گذاشت. این دستاورد‌ها برای مدیران کلان‌شهرها بیشتر جلوه داشت. مدیرانی که به‌دنبال الگوبررسی از اصفهان در حوزه بازیافت و پسماند هستند و تجربه‌های اصفهان در جهت رسیدن به شهری نمونه در حوزه جمع‌آوری زباله و صنعت پسماند، برایشان جالب بود.

ماشین‌آلات به‌روز رفت‌وربوم و جمع‌آوری زباله در حوزه خدمات شهری هم نویدی از آینده مطلوب در این حوزه بود. آنچه شرکت‌ها ارائه کرده بودند و البته سازمان خدمات موتوروی شهرداری در دست طراحی داشت، برای آن بود که بتوانند مکانیسم استفاده از ماشین‌های مدرن‌تر در حوزه نظافت شهری را به‌کار ببرند. این موضوع خودش جای امیدواری داشت که فرسودگی در این سیستم قرار است کاهش پیدا کند. اصفهان به سمت داشتن خودروهایی می‌رود که دیگر شیرابه‌ریزی نداشته باشند و به‌روزندشان چهره شهر را متحول کند.

استفاده از المان‌های شهری زیبا و نوپردازی هم غرفه‌ای بود که در حوزه زیبایی‌سازی مطرح شده بود. زیبایی‌سازی شهر و قاعده‌ای که باید شهرداری به سمتش برود، برای جذاب‌شدن با کمک دانش‌بنیان‌ها در نمایشگاه به خوبی دیده می‌شد.

هوشمندسازی و اقدامات شهرداری در حوزه خدمات شهری و طراحی آب‌سپاک و حمل‌بازیافت به شیوه الکترونیکی، هم نشان از ورود روش‌های نوین برای خدمت‌رسانی به مردم در این حوزه داشت؛ اما سرعتی که در این حوزه وجود دارد، کند است و باید روشی برای افزایش آن پیدا کرد.

حضور شرکت‌های خودروساز که تولیدکننده اتوبوس‌ها شهری بودند، مخاطبان را به آینده‌ای بهتر برای حمل‌ونقل عمومی دل‌گرم می‌کرد. اتوبوس‌هایی که از علم روز دنیا بهره برده بودند و زیبایی مطلوبی هم داشتند و برای این روزهای گرم سال و کلان‌شهرهایی که درگیر حمل‌ونقل عمومی فرسوده و پیر هستند، راه‌گشا بود. البته پیدا کردن راهی برای تأمین بودجه خرید اتوبوس و مطرح‌شدن مشکلات تولیدکننده‌ها شاید با حضور مهدی جمالی نژاد به‌عنوان معاون وزیر می‌توانست راه‌گشا باشد. او با بازدید از غرفه‌ها و شنیدن حرف تولیدکننده و خریدارها قول داد در وزارتخانه‌اش به‌دنبال راه بهتری برای رسیدن اتوبوس‌های جدید به سطح خیابان‌های شهر خواهد بود. جمالی نژاد البته ابراز امیدواری کرد در دولت جدید برای حمایت از حمل‌ونقل عمومی و تأمین اعتبار برای خرید اتوبوس‌های جدید، باید همتی وجود داشته باشد. در گوشه‌ای از نمایشگاه وسایل بازی در پارک‌ها با رنگ‌های جذاب بینندگان، به خصوص بچه‌ها را به سگ خودش می‌کشاند.

اما بیشتر آنچه دیده می‌شد وسایلی با طرح‌های سال‌های گذشته بود. تقریباً اتفاق و خلاقیت جدیدی در طراحی دیده نمی‌شد و به نظر می‌رسید در نمایشگاه سیزدهم باتوجه به اهمیت نشاط در شهر، طرح‌های خلاقانه‌تر و جذاب‌تری در حوزه وسایل بازی کودکان ارائه شود. با آنکه در سال‌های اخیر در حوزه مدیریت شهری اتفاقات مؤثری رخ داده؛ اما طرح‌ها و ایده‌های تکراری چیزی بود که نگاه مخاطب را اذیت می‌کرد. شاید این اتفاق در استقبال ضعیف مردم هم مؤثر بوده است. وقتی در نمایشگاه حرکت می‌کردی، خیلی با مردم عادی روبه‌رو نمی‌شدی. بزرگاری این نمایشگاه با هزینه‌های کلان بهتر، به‌گونه‌ای طراحی و تبلیغ شود تا شهروندان را به سمت نمایشگاه بکشاند. نمایشگاه جامع مدیریت شهری فرصت مناسبی برای برقرار ارتباط با مردم و ارتقای فرهنگ شهروندی است.

# اصفهان زیبا

## شهرزندگی



**زهره سادات کاظمی**

دیرصفحه شهرزندگی

**❖ وقتی آفتاب نیمه مردادماه گرمای بی‌سابقه‌ای را به شهر اصفهان هدیه کرد، اولین چیزی که خشکی‌زاینده‌رود را به رخ کشید، کمبود آب بود. بی‌آبی و گرما، مردم شهری که قرار است بشود شهر زندگی را کلافه کرد. برخی مناطق شهری که البته آب‌رسانی در آن‌ها وضعیت نامطلوب‌تری داشت و از منابع آبی فقیرتر بود، بیشتر این زجر را تحمل کردند. این وضعیت آنفا را مجبور کرد تا مشکل افت فشار آب و بی‌آبی در مناطق اصفهان را با تاثر کم‌تر حل کند. سال‌ها پیش وقتی رودخانه به وضعیت اسفناک امروز و خشک‌سالی نزدیک شد، منابع آبی استان هم دچار چالش شد. وضعیت نامناسب منابع آبی و تهدید آب شرب کلان‌شهر اصفهان، مسئولان استانی را مجبور کرد پیگیر طرحی شوند به نام **سامانه دوم آب‌رسانی؛ سامانه‌ای که بنا به شرایط اضطرار آب شرب اصفهان و البته غفلت مسئولان شهری، ملی تعریف نشد و قرار شد با بودجه استانی راه‌اندازی شود.** مسئولان سال ۹۷ گفتند با راه‌اندازی این سامانه مشکل آب شرب کلان‌شهری مثل اصفهان حل می‌شود. **سامانه دوم آب‌رسانی به اصفهان و ۱۴ شهرستان استان، سامانه‌ای مکمل با ماهیت پدافندی است و ۷۷هزار کیلومترمربع و به عبارتی ۷۲ درصد از پهنه استان را پوشش می‌دهد که جمعیت مشمول ۷۵/۵ میلیون نفر یا پوشش ۷۵ درصد جمعیت کل استان اصفهان است.** این سامانه با قابلیت **تأمین ۹/۵۷ مترمکعب آب شرب برای افق ۱۴۱۰ است. با بهره‌برداری از این سامانه به میزان ۶/۴ مترمکعب بر ثانیه، کمبود آب شرب اصفهان و ۱۴ شهرستان در شرایط فعلی جبران خواهد شد.** ❖**

### \* مصوبات شورای شهر برای کمک به پیشرفت سامانه دوم آب‌رسانی

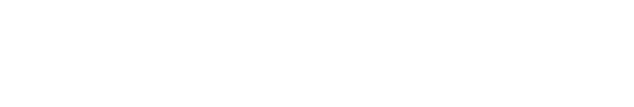
همان سال‌های اول مسئولان استانی تلاش کردند با همکاری و مساعدت مدیریت شهری پروژه را به اتمام برسانند. شورای شهر آن زمان هم به کمک آمد تا قسمتی از بودجه با کمک مصوبات پیش‌برود. ابوالفضل قربانی، رئیس کمیسیون هوشمندسازی و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر در گفت‌وگو با «اصفهان‌زیبا» درخصوص سامانه دوم آب‌رسانی، گفت: «سامانه دوم شاید بیش از یک دهه در حال انجام است و متولی آن وزارت نیرواست.»

او معتقد است برای اینکه سامانه دوم آب‌رسانی سریع‌تر به نتیجه برسد، در سال‌های گذشته مدیریت شهری کمک زیادی را برای این سامانه انجام داده است. مهم‌ترین اقدام به‌توصیت رساندن مصوبات شورا برای کمک به شرکت آنفا برای تحقیق پروژه بوده است.

قربانی در این خصوص تصریح کرد: «تعرفه‌های مربوط به بهای آب و دفع فاضلاب برای همراهی مدیریت شهری با شرکت آب و فاضلاب به شکلی تنظیم‌شده که بتواند هزینه مربوط به این پروژه تأمین شود. در مقاطع مختلف و به صورت دادن امتیاز برای انجام این پروژه کمک‌هایی شده است.»

او با تأکید بر اینکه محل اجرای این پروژه از سد زاینده‌رود و تصفیه‌خانه نزدیک منطقه وریپشت و خارج از محدوده شهری است و شهرداری نمی‌توانست طبق قانون کمک مستقیم به پیشرفت پروژه انجام دهد، خاطر‌نشان کرد: «مدیریت شهری طبق قانون نمی‌تواند هزینه مستقیمی بپردازد؛ اما هزینه غیرمستقیم و تصویب مصوبات از عمده‌کمک‌هایی است که مدیریت شهری انجام داده است.»

رئیس کمیسیون هوشمندسازی و حمل‌ونقل شورای اسلامی در ادامه بیان کرد: «این پروژه، ملی نیست و منطقه‌ای تعریف شده و باید برای تأمین بودجه آن در استان اقدامات لازم انجام می‌شد و مصوبه شورای‌الامروز بود. البته امیدواریم طبق قولی که همان موقع داده شد و همراهی شورا برای افتتاح پروژه، به‌زودی سامانه در اختیار مردم قرار گیرد؛ به‌شکلی



با وجود کمک مصوبات شورا و تأمین بودجه از اعتبارات استانی، چشم‌اصفهرانی‌ها به راه‌اندازی سامانه دوم روشن نشدو امسال بافت شدید فشار آب و کمبود آن مواجه شدیم.

سال بیستم \* شماره ۴۸۹۲ \* شنبه \* ۲۰ مرداد ۱۴۰۲

نیم‌نگاه

بازار

تأمین مالی، سامانه دوم آب‌رسانی اصفهان تا یکی دو سال آینده تکمیل و مشکل آب آشامیدنی مناطق شهری اصفهان برطرف خواهد شد. پروژه‌ای که از سال ۹۷ استارت خورد و قرار بود تا پایان سال گذشته به بهره‌برداری برسد، حالا فقط تا پشت دروازه‌های شهر اصفهان رسیده و کمبود بودجه راهش را سد کرده است. تعریف‌نشدن طرح سامانه دوم آب‌رسانی در سطح ملی از همان ابتدا طرح را با کمبود بودجه مواجه کرد. همان سال‌های آغاز طرح گفته شده بود که طرح با هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان به بهره‌برداری خواهد رسید. در این سال‌ها بیش از بودجه‌ای که پیش‌بینی شده بود برای سامانه قرار بود مشکل آب شرب اصفهان را حل‌کند تکمیل نیست.

حالا به نظر می‌رسد بودجه‌ای برای به‌پایان رساندن پروژه نیست و پروژه‌ای که قرار بود با نزدیک به دوهزار میلیارد تومان به پایان برسد، برای اتمام خود نزدیک به سه‌هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد.

## \* اتفاق مؤثری در وزارت نیرو برای جاری‌شدن زاینده‌رود نیفتاده است

آنچه مشخص است، باید منتظر ماند تا نمایندگان مجلس و دولت جدید در خصوص تأمین بودجه برای سامانه دوم طرحی نو در اندازند و این انتظار به نظر می‌رسد طولانی خواهد بود. اما آیا جمعیت اصفهان که هر روز بر آن افزوده می‌شود منتظر خواهد ماند؟ به نظر می‌رسد قبل از آنکه بودجه موردنظر محقق شود، باید فکری برای جاری‌شدن حداقلی آب زاینده برای تأمین منابع استان کرد.

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری اصفهان هم در پاسخ به این سؤال که تأمین بودجه برای سامانه دوم و تکمیل آن کمی طولانی به نظر می‌رسد، آیا استانداری برای تأمین منابع آبی و وضعیت انتقال آب به زاینده تا تکمیل سامانه دوم اقدامی انجام می‌دهد یا خیر، جلودگی‌کنند.

دبیر دوم کمیسیون آب، کشاورزی و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه سامانه دوم آب‌رسانی اصفهان پروژه‌ای است که برای رفع کمبود آب آشامیدنی و تأمین شبکه آب اصفهان تعریف‌شده افزود: «در دو سال گذشته نیز اقدامات خوبی انجام شده و ۲ مترمکعب بر ثانیه آب به این شبکه اضافه شده؛ اما نیاز منطقه بیش از این است.»

زینلیان هجمنان با انتقاد از عملکرد رسانه‌ها و نخبان‌ها و تصمیم پیگیری احیای زاینده‌رود و جاری‌شدن آن بیان کرد: «رسانه‌ها باید برای زاینده‌رود و برداشت‌های بالادست، دستور زمین‌مانده دوزیر برای تشکیل کمیته نظارت بر زاینده‌رود، طرح بن‌بروجن، برداشت یزد از اصفهان قبل از راه‌اندازی بهشت‌آباد و بررسی اقداماتی که رئیس حوضه آبریز زاینده‌رود تا کنون انجام داده است، مطالبه‌کنند. همچنین نمایندگان مجلس هم در ادوار گذشته آن‌طور که باید مطالبات استانی را پیگیری نکردند.»

او با اشاره به اینکه برای قضاوت عملکرد نمایندگان دوره جدید زود است، افزود: «انتظارمان این است که نمایندگان این دوره خیلی بهتر از گذشته عمل‌کنند و مطالبات جدی درخصوص احیای زاینده‌رود و تأمین اعتبار برای سامانه دوم آب‌رسانی داشته باشند.»

افتتاح سامانه دوم طرحی فوری برای اصفهان است. چاه‌های تأمین آب شرب دیگر کاربرد ندارند و این وضعیت برای آب شرب اصفهان خطرناک است. شرایط اصفهان می‌طلبد تا نمایندگان و مدیران استانی برای احیای زاینده‌رود و جاری‌شدن آن و تأمین حقایه‌اش تلاش کنند.

اگر بخواهیم منتظر اجرای پروژه‌های نیمه‌تمام عمان، سامانه دوم و انتقال آب از جنوب استان باشیم باید شرایط سخت‌تری را برای آب شرب اصفهرانی که هر روز بر مصارفش افزوده می‌شود، بود.

بازار

بازار

بازار



# بودجه نرسد، آب نمی‌رسد

## سامانه دوم آب‌رسانی اصفهان منتظر بودجه ملی است و استان قادر به تأمین بودجه نیست

است، به سراغ دکتر مهران زینلیان، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری اصفهان رفتیم. او درباره سامانه دوم آب‌رسانی و وضعیت آب‌رسانی شرکت آب و فاضلاب استان هم درخصوص وضعیت افت فشار آب، در مصاحبه اخیرش گفته، در حال حاضر نیازآبی اصفهان ۱۸ هزار لیتر بر ثانیه است؛ در حالی که ظرفیت منابع تأمین آب تنها ۱۵هزار لیتر بر ثانیه است. در صورتی که این منابع تا حدودی پیش سفر اول رئیس جمهور به استان، بودجه‌ای به ارزش چهارهزار و ۳۰۰ میلیارد برای تکمیل فاز اول مصوب داشته باشند و از بروز این‌گونه بحران‌ها در امان باشند.»

زینلیان در ادامه با اشاره به اینکه فاز اول و اضطرار این پروژه در سال ۱۴۰۱ به بهره‌برداری رسید، افزود: «با راه‌اندازی فاز اول، سال گذشته را توانستیم بدون بحران از مسئله آب شرب عبور کنیم؛ اما در سال جاری متأسفانه با توجه به رشد تقاضای مصرف و گرمای بی‌سابقه‌ای که در استان داشتیم، بافت فشار آب مواجه شدیم و مشکلات خودش را نشان داد.»

او در ادامه با اشاره به اینکه نقد جدی به عملکرد وزارت نیرو در زمینه سامانه دوم آب‌رسانی وارد است، تصریح کرد: «وزارت نیرو عملکرد ضعیفی درباره سامانه دوم آب‌رسانی داشت و توانست پروژه را به سرعت و به موقع انجام دهد.»

این است پروژه‌هایی که توسط استانداری پیگیری شد وضعیت مناسبی دارد؛ اما سامانه دوم که زیر نظر وزارت نیرو بود، چندان مطلوب جلو نرفته است.»

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری اصفهان نتیجه این ضف را در وضعیت آب شرب امروز اصفهان دانست و گفت: «استانداری برای انجام این پروژه‌ها تلاش زیادی انجام داده و متأسفانه کوتاهی وزارت نیرو منجر به مشکلات مضاعف می‌شود.»

او درخصوص وضعیت پروژه در دولت چهاردهم و پیگیری آن افزود: «این طرح مصوبه ریاست جمهوری است و قاعدتا باید این پروژه اجرا شود. پروژه اعتبار لازم دارد و باید اعتبار آن تأمین شود و جلوگیری پیگیری نمایندگان مجلس و مدیریت استان را می‌طلبد.»

**\* سامانه دوم آب‌رسانی اصفهان باید جزو طرح‌های ملی قرار گیرد**
به نظر می‌رسد سامانه دوم در وضعیت نامناسبی است و تأمین بودجه برای به بهره‌برداری رسیدن آن از عهده استان اصفهان خارج شده است. این موضوع توجه نمایندگان مجلس استان اصفهان و ورود جدی آن‌ها به این موضوع را می‌طلبد.

**\* وزارت نیرو عملکرد ضعیفی در خصوص سامانه دوم آب‌رسانی داشت**
برای بررسی وضعیت سامانه دوم و اینکه چرا تا کنون افتتاح نشده



# اقتدارگرایی در فهم ایران قاجار

نگاهی متفاوت به کتاب اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار



گروه فرهنگ و هنر

📖 **دوره قاجار** عموماً در ذهن ما با اتفاق‌هایی همچون عقد قرارداد ترکمانچای، اعطای بی‌حدوحصر امتیازها به بیگانگان و به‌مخاطره‌افتادن استقلال سیاسی و اقتصادی ایران گره خورده‌است. واقعیت این‌است که عملکرد سلسله قاجار آن‌چنان آکنده از ضعف و سستی و بی‌ارادگی است‌که تصویری جز آنچه گفته شد، به ذهن متبادر نمی‌کند؛ بااین‌همه، بررسی علل و عوامل افول ایران در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های اندیشمندان از همان زمان تاکنون بوده‌است؛ به‌طوری‌که بخش مهمی از رسائل و کتاب‌های نوشته‌شده در دوره مشروطه نیز به همین موضوع تعلق دارد. کتاب «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» اثر محمود سریع‌القلم ازجمله تحقیق‌هایی است‌که در سال‌های اخیر درباره ایران عهد قاجار موردتوجه قرار گرفته‌است. به مناسبت سالروز انعام میرزاغیا کرمانی در این گزارش با نگاه به این کتاب، نوع نگرش آن به ایران عهد قاجار و مسائلی را بررسی می‌کنیم. سریع‌القلم، استادتمام گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است و تألیف‌های متعددی در حوزه روابط بین‌الملل، توسعه و فرهنگ سیاسی ایران دارد. 📌

پراکنده در توصیف اقتدارگرایی آمده‌است، او می‌گوید: «اقتدارگرایی تمامی شئون زندگی افراد را در برمی‌گیرد و شکل و محتوای آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.» در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد نویسنده اعتقاد دارد نظام‌های سیاسی و اجتماعی در یک حرکت خطی تکاملی به‌سمت حاکم بر ایران در دوره قاجار چه خصوصیاتی داشت و چگونه تداوم پیدا کرد؟ ۲. چرا اهتمام‌هایی که برای تغییر اقتدارگرایی به‌کار گرفته شد، عموماً ناموفق بودند؟ نویسنده در ادامه با برشمردن بعضی از آثاری که به بررسی تاریخ ایران پرداخته، عدم وجود قالب‌های نظری و مفهومی برای تجزیه‌وتحلیل مواد خام تاریخی و بی‌توجهی به روند تحولات دیگر کشورها جهت فهم تحولات ایران را ازجمله خلاهای این آثار بیان می‌کند؛ به این ترتیب به نظر می‌رسد کتاب قرار است در دو محور فوق‌الذکر ذیل یک قالب نظری با عنوان «اقتدارگرایی» به تجزیه‌وتحلیل تحولات ایران زمان قاجار با عنایت به روند تحولات در دیگر کشورها بپردازد.

### \* اقتدارگرایی؛ ام‌المصائب ایران

سریع‌القلم اعتقاد دارد که «حوزه سیاست و قدرت در ایران طی قرن‌ها بر اساس سرکوب، ظلم، کشتار، بی‌رحمی، حذف و نابودی کامل رقیب شکل گرفته و «به لحاظ نظری آنچه مجموعه شئون زندگی ایرانیان را تشکیل می‌داده، نظام و منطق اقتدارگرایی بوده‌است.» نویسنده در ادامه وسعت و عمیق نفوذ این منطق را آن‌چنان جدی می‌داند که آن اعتقاد دارد «شاید بتوانیم نفوذ آن را در طبع و رفتار ایرانی در سطح رتئیک ردیابی کنیم.» در ادامه، تلاش می‌شود تعریفی از اقتدارگرایی به‌دست‌آید: «در آن مسلط‌شدن به شخصیت، آرا و زندگی انسان‌ها اصالت دارد» و «در این روش مدیریت، قدرت و اصالت فردی انسان‌ها از آن‌ها گرفته می‌شود.» نویسنده البته در فصول بعد اقتدارگرایی را یک نظام حکومتی می‌داند «که تقریباً تاریخ سیاسی تمامی بشر با آن شکل گرفته‌است؛» همچنین با مثال‌های متعدد نشان می‌دهد که اقتدارگرایی در تقابل با عقلانیت و مصلحت‌محوری است. فردمحور بودن، نظم مطلق و انحراف دانستن تفاوت، داشتن معارض در خارج از مرزهای خود و حجم زیادی از ویژگی‌ها و نتایج نامطلوب در ادامه به‌صورت

در ادامه، توصیف‌هایی از کنت دوگوبینو، سفرنامه‌نویس فرانسوی، درباره خلیقات ایرانیان آمده‌است. نویسنده با تشریح نحوه انتقال قدرت از صفویه به نادرشاه افشار، زنده و در نهایت قاجاریه، به ویژگی‌های منفی این دوران می‌پردازد و اقتدارگرایی را وجه مشترک آن می‌داند. در فصل سوم با عنوان «تداوم نظام اقتدارگرایانه در عصر قاجار»، همین رویکرد تا پایان عصر ناصرلی ادامه یافته‌است؛ یعنی نویسنده با نقل تاریخ، درباره جوجهی که به‌زخم او نشان از اقتدارگرایی دارد، صحبت می‌کند؛ همچنین نیم‌نگاهی نیز به خلیقات ایرانیان دارد و در جایی از چهار علت برای «متغیرالاحوال بودن، دمدمی مزاج بودن، فرصت‌طلبی و غیرقابل‌اتکابودن ایرانیان» نام می‌برد. ۱. فقدان یک سیستم و دستگاه فکری مشخص ۲. تنوع و ورود و خروج دائمی مکاتب فکری و جهان بینی‌ها در جامعه؛ ۳. قدرت مطلق دولت؛ ۴. نقش مهم بیگانه در سیر تحولات داخلی.

### \* تلاش ناموفق مشروطه‌خواهی می‌کند یا تشریح نهضت مشروطه به پرش دوم تحقیق خود پاسخ دهد؛ چرا اهتمام‌هایی که برای تغییر اقتدارگرایی به‌کار گرفته شد، عموماً ناموفق بودند؟ او با تقسیم‌بندی گروه‌های فعال در نهضت مشروطه به روشنفکران، روحانیون و بازاریان، تضادهای فلسفی و فکری در ایران را مهم‌ترین عامل ناکامی مشروطه می‌داند. به اعتقاد نویسنده «اسلام و به‌خصوص تشیع، ذاتاً یک دین سیاسی است و ظرفیت سکولارشدن را ندارد.» او با مثال‌های متعدد نشان می‌دهد روشنفکران در جریان نهضت مشروطه تلاش می‌کردند «لیاس دینی تن‌لیبرالیسم کنند تا از مخالفت روحانیت در تغییر حوزه سیاست ایرانی در امان باشند؛ زیرا روحانیت و تفکر دینی در میان توده‌های مردم از مشروعیت و مقبولیت برخوردار بود.» در ادامه نویسنده با نقل تاریخ حکومتی می‌داند «تأثیر منفی روچیات ناشی از اقتدارگرایی ایرانی را در سیر این تحولات نشان می‌دهد.

### \* دستگاری با بازار آزاد

سریع‌القلم در فصل چهارم کتاب با عنوان «خروج از اقتدارگرایی: یک بررسی مقایسه‌ای» به‌طور صریح‌تر اذعان می‌دارد که «بشر هزاران سال با اقتدارگرایی خو گرفته

است و از حاشیه آن لذت می‌برد. اقتدارگرایی یک روش برتری حکومت بر عامه مردم است؛ در مقابل آن، نویسنده با تشریح نحوه انتقال قدرت از صفویه به نادرشاه افشار، زنده و در نهایت قاجاریه، به ویژگی‌های منفی این دوران می‌پردازد و اقتدارگرایی را وجه مشترک آن می‌داند. در فصل سوم با عنوان «تداوم نظام اقتدارگرایانه در عصر قاجار»، همین رویکرد تا پایان عصر ناصرلی ادامه یافته‌است؛ یعنی نویسنده با نقل تاریخ، درباره جوجهی که به‌زخم او نشان از اقتدارگرایی دارد، صحبت می‌کند؛ همچنین نیم‌نگاهی نیز به خلیقات ایرانیان دارد و در جایی از چهار علت برای «متغیرالاحوال بودن، دمدمی مزاج بودن، فرصت‌طلبی و غیرقابل‌اتکابودن ایرانیان» نام می‌برد. ۱. فقدان یک سیستم و دستگاه فکری مشخص ۲. تنوع و ورود و خروج دائمی مکاتب فکری و جهان بینی‌ها در جامعه؛ ۳. قدرت مطلق دولت؛ ۴. نقش مهم بیگانه در سیر تحولات داخلی.

### \* سرکوب و وحشت تنها تجربه ایرانیان

در فصل دوم با عنوان «انحطاط صفویه، سقوط زنده و ظهور قاجاریه» سریع‌القلم نگاهی کوتاه به حکمرانی شاه عباس دارد و آن را سرشار از خشونت و کشتار و بی‌رحمی می‌داند. او رواج «سنت قهوه‌خانه» را نمادی از دوران انحطاط صفویه می‌داند و اعتقاد دارد: «در وحشی‌گری‌های عصر صفوی طبعاً جایی برای گفت‌وگو، نقد، تبادل نظر، مناظره، اخلاق، منافع ملی، تشکل، قانون و عقلانیت نمی‌توان جست.»

### \* ناقوس مخالفت با اقتدارگرایی زمانی به صدا درآمد که انسان‌ها مستولیت معاش خود را به‌عهده گرفتند و از وابستگی مالی به حکومت و دولت و کلیسا رهایی یافتند

سریع‌القلم در فصل چهارم کتاب با عنوان «خروج از اقتدارگرایی: یک بررسی مقایسه‌ای» به‌طور صریح‌تر اذعان می‌دارد که «بشر هزاران سال با اقتدارگرایی خو گرفته

اکثریت مردم ایران در آن عهد تعمیم می‌دهد.

به اعتقاد او، مجموعه این خصلت‌ها هم در سطح جامعه و هم در سطح حاکمان و روشنفکران وجود داشت و نتیجه دهه‌ها و قرن‌ها استبداد، اقتصاد متمرکز مبتنی بر منافع و مسئولیت و پاسخ‌گویی دارد.» به اعتقاد نویسنده در چهار قرن اخیر یک مفهوم کانونی برای خروج از اقتدارگرایی مطرح شده‌است «و آن مفهوم حق انتخاب در قالب یک ساختار است.» او همچنین از پایه مهم اقتصادی و مالی اقتدارگرایی و اقتدارگرایی صحبت می‌کند که بدون آن نمی‌توان رفتارهای سیاسی و نظام‌انگیزی سیاسی را متوجه شد. به اعتقاد نویسنده «ناقوس مخالفت با اقتدارگرایی زمانی به صدا درآمد که انسان‌ها مسئولیت معاش خود را به‌عهده گرفتند و از وابستگی مالی به حکومت و دولت و کلیسارهایی یافتند. هنگامی که استقلال مالی تحقق یابد، اندیشه هم آزاد می‌شود.» نویسنده در ادامه، فردی را که مجبور است با شناخت، تولید کند، رقابت کند، هزینه‌ها را کاهش دهد و «برای عرضه کالاای خود با مشتری مودب باشد» بافردی که «خود را به مدارهای دربار قاجار نزدیک می‌کرد و از زمین و منصب و مستمری بهره‌مند می‌شد» مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که کار خیر، فکر نمی‌خواهد و «تنها تجهیز در دو صنعت کافی است: تزویر و چاپلوسی.» او همچنین می‌گوید: «تاریخ گواه‌است که به‌جز عده معدودی برای اکثریت سیاسیون و بازرگانان ایرانی، حق و حقانیت و عدالت و آزادی خواهی هرینا بوده‌است. اصل، نحوه دسترسی به امکانات است.» در ضمن «چون ایرانی‌ها به‌شعر و ادبیات و تعارف و زبان نرم نسبت به چینی‌ها و روس‌ها مجهزترند، از راه این شیوه‌های تزئیناتی و تبلیغاتی در پی کسب امکانات بوده‌اند.» سریع‌القلم با رجاع به کتاب «ثروت ملل» ازآدام اسمیت و «اصول اقتصاد سیاسی» از جان استوارت میل اظهار می‌کند: «تا جامعه قدرتمند نشود و پایه‌های مستقل اقتصادی آن بنا نشود، کشورها رشد نمی‌کنند و از فرد به ساختار و سیستم، انتقال حقوقی و در نهایت سیاسی پیدا نمی‌کنند.» در ادامه هم مثال‌هایی از تجربه‌های کشورهای مختلف در ایجاد بازار آزاد و منافع مستقل از دولت ذکر می‌شود. در فصل پنجم که به نتیجه‌گیری مباحث مطرح‌شده در کتاب تعلق دارد، نویسنده ۴۴ ویژگی منفی رفتاری و معاشرتی ایرانیان در عهد قاجار ا‌ذکر می‌کند و آن‌ها را به

از بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی در آن دوره به چشم نمی‌آید؛ درواقع طرح مسئله و متن اصلی تحقیق، تناسلی با نتیجه‌گیری به‌عمل‌آمده، ندارد.

نویسنده در حالی نتیجه می‌گیرد که «اقتصاد متمرکز مبتنی بر منافع و مصلحت شاه و درباریان» یکی از سه عامل «در صورت مسئله خود به‌عمل آورد.» سریع‌القلم در نهایت سه عنصر کلیدی را در تداوم اقتدارگرایی ایرانی به‌ویژه در عهد قاجار معرفی می‌کند: ۱. اقتصاد متمرکز مبتنی بر منافع و ابعاد اجتماعی و اقتصادی دوره قاجاریه ازجمله ابعاد اقتصاد ایران در این دوره، شکل کسب درآمد مردم در شهرها و روستاها، قوانین مالیاتی و میزان مداخله دولت در اقتصاد … حتی اشاره‌ای هم نکرده‌است؛ این در حالی است که پژوهش‌های زیادی در این زمینه صورت‌گرفته و منابع تاریخی در این زمینه سکوت نکرده‌اند. در بررسی وقایع مربوط به دوره مشروطه نیز هرچند نویسنده تلاش کرده‌است؛ بااین‌همه به نظر می‌رسد این کتاب نتوانسته‌است انکاسای از یک تحقیق منسجم درباره ایران عهد قاجار و نسبت آن با اقتدارگرایی باشد. فصل اول کتاب پیش از آنکه بتواند صورت مسئله اقتدارگرایی در ایران را بررسی کرده و زاویه نگاه خود را دقیق کند، به‌طور پراکنده و آشفته، خصوصیات فردی و صفات اخلاقی شهروندان نظام‌های مختلف سیاسی را با یکدیگر مقایسه می‌کند و همه‌ذرایبل اخلاقی را متوجه شهروندانی می‌داند که اسیر اقتدارگرایی سیاسی شده‌اند؛ همچنین همه این‌ذرایبل را ناشی از اقتدارگرایی سیاسی می‌داند. در طرح مسئله، صحبتی از علل به‌وجودآمدن پدیده‌ای که نویسنده آن را اقتدارگرایی نام نهاده‌است، به میان نیامده؛ گویا همان‌گونه که در فصل‌های بعدی به‌صراحت ذکر شده‌است، همه جوامع بشری بر مسیر تاریخی واحدی ایستاده‌اند که شروع آن، اقتدارگرایی و پایان آن، دموکراسی است. در فصل دوم و سوم که آن را باید محور اصلی تحقیق دانست، روایت تاریخ از یک نظم ساختاری بهره‌مند نیست و نقاطی که نویسنده آن‌ها را شاهد وجود اقتدارگرایی دانسته، اطلاعات جدیدی به مخاطب اضافه نمی‌کند. در اینجا باید توجه داشت که نویسنده پیش از بررسی وقایع مربوط به مشروطه، بیش از همه نگاه خود را به آن بخشی از تاریخ معطوف می‌دارد که راوی جریان‌های نقل‌وانتقال قدرت سیاسی و به‌اصطلاح تاریخ پادشاهان و ملوک است؛ اما برخلاف نتیجه‌ای برداشت صحیحی از اختلاف‌های

## اصفهان زیبا

### \* فکر نو \*

میان علمادر جریان مشروطه داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، در اصفهان نهضت مشروطه توسط حاج آقا نورالله نجفی رهبری می‌شد. چه عاملی باعث نفوذ حداکثری او در میان مردم بود؟ اگر اقتدارگرایی مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده مردم ایران بوده و مانع به‌وجودآمدن هرگونه نهادی شده‌است، چگونه سازمان روحانیت به‌عنوان یک نهاد اثرگذار در جریان‌های سیاسی در برابر نظام اقتدارگرایایی نقش می‌کند؟ همچنین نویسنده با این پیش‌فرض که جریان‌های سیاسی توسط عده‌ای پایتخت‌نشین مشخص و معلوم شده‌است، از نقش مهم دیگر مناطق ایران در نهضت مشروطه غفلت می‌کند؛ برای نمونه، می‌توان باز هم به تجربه اصفهان نگاه کرد که در آن تضادهای فکری و فلسفی به‌غلظت تهران وجود نداشت و حتی دعوی مشروطه و مشروع‌جدی گرفته نمی‌شد. نکته دیگری که در سرتاسر کتاب به چشم می‌خورد و ازجمله رداییلی است که نویسنده در زمره خصوصیات ایرانیان دوره قاجار ذکر می‌کند «اغراق» بیش‌از اندازه در ستایش و نکوهش مفاهیم، جوامع و شخصیت‌هاست؛ به‌گونه‌ای‌که گاه باعث شده‌است نویسنده چهارچوب اصلی تحقیق خود را فراموش کند؛ مثلاً در برشمردن خلیقات منفی ایرانیان، نویسنده آن‌چنان یک‌طرفه به خلیقات ادبیات سفرنامه‌نویسان اروپایی و ژانر «خلیقات ما ایرانیان» غرق شده‌است؛ همچنین توصیف‌های نویسنده از اقتدارگرایی که در جای‌جای کتاب پراکنده شده، تنها نشان‌دهنده جوهه کاملاً منفی است و سایر وجوه این موضوع را موردبررسی قرار نمی‌دهد؛ مثلاً نویسنده در جایی به توجه شاه‌عباس به هنر و معماری اذعان می‌کند؛ اما هیچ‌گاه به رابطه اقتدارگرایی با نقش آفرینی ایرانیان در دوره صفوی در عرصه‌های مذکور نمی‌پردازد. تک‌عبارت‌هایی همچون اینکه عامل اصلی کار عرفانی، معماری، هنری و ادبی ایرانیان، فردی بوده و «ایرانی‌ها به‌محض اینکه لازم‌باشد تادور هم جمع شوند و طرحی را به‌سرتانجام برسانند، دچار مشکل می‌شوند» باشواهد تاریخی همچون ساخت بناهای عظیم در شهرها و وجود فناوری‌هایی همچون چغرف‌قنات که نیاز به کارگرهی منسجم باطراحی دقیق دارد، در تضاد است.

آنچه ناگهان در دو فصل پایانی کتاب به‌عنوان راه خروج از اقتدارگرایی معرفی شده‌است، نسبتی با متن تحقیق ندارد و این فرضیه را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد که نویسنده تمام تحقیق را وسیله‌ای برای مطرح‌کردن ایده اقتصادی خود، کرده‌است. درمجموع می‌توان گفت‌که تبیین سریع‌القلم از چگونگی حضور اقتدارگرایی در دوره قاجار در این کتاب چندان چشمگیر نیست و راهکارهای او برای خروج از اقتدارگرایی نیز به‌جز آنچه درباره اقتصاد بازار می‌گوید، از تربیت اخلاقی و توسعه فردی خارج نمی‌شود؛ چنان‌که در ابتدای کتاب نیز به‌صورت صریح بیان می‌کند: «تقدیم به ایرانیان زیر ۱۰ سال، که در آینده برای کسب ثروت، به‌نهاد دولت نزدیک خواهند شد…! از رشد موفقیت‌دیگران به‌طور واقعی خوشحال خواهند شد و درس خواهند آموخت، غرور بیجا، حسادت و ناچوآمدی را به‌سکوت، احترام و گذشت تبدیل خواهند کرد، دروغ‌گویی و وارونه‌جلوه‌دادن واقعیت‌ها را از نظام معاشرتی خود با دیگران حذف خواهند کرد…»

### روشنفکران در جریان

### نهضت مشروطه

### تلاش می‌گردند لباس

### دینی تن لیبرالیسم

### کنند تا از مخالفت

### روحانیت در تغییر

### حوزه سیاست ایرانی

### در امان باشند؛ زیرا

### روحانیت و تفکر دینی

### در میان توده‌های

### مردم از مشروعیت و

### مقبولیت برخوردار بود

